

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

سرطان ۱۳۹۴ (جولای ۲۰۱۵)

شماره (۲۵)

دور دوم



خطاب به جوانان آزادیخواه و رسالتمند کشور

با یک نگاه کلی به بیان این مطلب میتوان رسید که در طول تاریخ افغانستان، جوانان بخشی از جامعه هستند که این بخش در کنار سایر بخش های اجتماعی کشور، نقش رسالتمندانه خویش را انجام داده اند. بطور نمونه مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس و استرداد استقلال افغانستان، مبارزات دوره هفتم شورا، مبارزات دهه چهل خورشیدی و مبارزه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیسم گویای این مدعا است. جوانان کشور ما به مثابه پل عبور میان نسل گذشته و نسل آینده ایفاء وظیفه نموده و به حق میراثداران امروز و گردانندگان فردای جامعه هستند
صفحه ۲

مروری بر تفاهنامه امنیتی با پاکستان

از آغاز تشکیل حکومت "وحدت ملی" یکی از سیاست های خارجی رژیم، عذر و التماس به پیش مقامات حکومت پاکستان برای فروکش کردن جنگ طالبان در افغانستان بود، این التماس ها تا حدودی توانست قدم هایی را در راستای تامین صلح با طالبان بردارد، تا اینکه
صفحه ۳

بیکاری و نقش رژیم فعلی در آن

سرزمینی که امروز بنام افغانستان مسمی است وزادگاه ما می باشد، توده های زحمتکش آن در رنج و فقر زندگی هلاکت باری را می گذرانند. ناهنجاری و انزجار روز بروز بیشتر و گرسنگی و مرگ و میر و بیکاری افزون تر میشود.....
صفحه ۵



خطاب به جوانان آزادیخواه و رسالتمند کشور

که عوامل فقر، بیکاری، گرسنگی، اعتیاد و هزاران هزار فلاکت اجتماعی دیگر را دامن زده و روز به روز بر وسعت آن می افزاید.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" به تمام جوانان آزادیخواه و رسالتمند و انقلابی افغانستان توصیه میکند تا کمیته های جوانان را در شهرها و روستاهای کشور ایجاد نمایند و مسئولیت تنظیم واحدهای تشکیلاتی را هرچه سریعتر روی دست بگیرند و در آن آموزش های انقلابی را به پیش برند و بر اساس فرمول مبارزه - وحدت - مبارزه صفوف خویش را هرچه بیشتر از قبل منسجم نمایند.

بدون در دست گرفتن این مسئولیت کبیر اجتماعی هرگز نخواهیم توانست رسالتی را که بر عهده مان گذاشته شده به وجه احسن به پیش بریم. ما باید وضعیت کنونی جامعه مان را تحلیل کنیم و بر مبنای آن تحلیل است که تضادهای اجتماعی را درمیابیم و سپس تضاد های اجتماعی را به عمده و غیر عمده تقسیم می نمائیم. با دریافت تضاد عمده است که می توان موفق به حل تضاد ها گردید.

در شرایط کنونی، تضادهای متعددی در جامعه ما وجود دارد که یکی از آنها تضاد عمده را تشکیل می دهد. تضاد ملی علیه اشغالگران امپریالیست و خابنین ملی دست نشاندگان تضاد عمده در شرایط کنونی است.

با در نظر گرفتن تضاد عمده است که ما میگوییم کشور ما اشغال است و تحت سیطره امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا قرار دارد و حاکمیت کنونی نیز مرکب از خابنین ملی بیش نبوده و نیست. حاکمیتی که تحت نام " حکومت وحدت ملی " شکل گرفته به غیر از ایجاد بدبختی به تمام ملت های تحت ستم کار دیگری نمیتواند انجام دهد و نه هم ما باید توقع انجام کاری به نفع زحمتکشان را از چنین دولتی داشته باشیم. زیرا رژیم فعلی حتی توسط انتخابات مضحکه نمایشی هم روی کار نیامده بلکه توسط مداخله مستقیم امپریالیزم امریکا بقدرت رسیده است و با ساز بادران امریکائی اش رقص میکند.

فقط بایرون راندن اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشاندگان واستقرار جامعه دموکراتیک نوین میتوان توده ها را از این بدبختی نجات داد. حل تضاد عمده فقط از طریق بر پای و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی امکان پذیر است.

بیایید با مسئولیت پذیری هرچه بیشتر، بار سنگین این رسالت اجتماعی را هماهنگ تر از گذشته و با اتحاد صفوف مبارزاتی مان به پیش بریم، و توده های زحمتکش را بسوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه بخاطر بیرون راندن اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم پوشالی هدایت نمائیم.

سرفراز باد جوانان قهرمان کشورمان!

با یک نگاه کلی به بیان این مطلب میتوان رسید که در طول تاریخ افغانستان، جوانان بخشی از جامعه هستند که این بخش در کنار سایر بخش های اجتماعی کشور، نقش رسالتمندانه خویش را انجام داده اند. بطور نمونه مبارزه علیه امپریالیزم انگلیس و استرداد استقلال افغانستان، مبارزات دوره هفتم شورا، مبارزات دهه چهل خورشیدی و مبارزه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیزم گویای این مدعا است. جوانان کشور ما به مثابه پل عبور میان نسل گذشته و نسل آینده ایفاء وظیفه نموده و به حق میراثداران امروز و گردانندگان فردای جامعه هستند.

جوانان جامعه ما در کنار سایر بخش های اجتماعی جامعه، در ایجاد تحولات سیاسی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی نقش متبازری را برعهده داشته و آنرا به مرحله اجراء در آورده اند، گاه این نقش به شکل منفی آن تکامل نموده و گاه به شکل مثبت آن! منفی به این معنی که از وجود رهبری خردمندانه انقلابی خبری نبوده و قلدرومنشان و ددمنشان تاریخ از این فرصت استفاده نموده و جوانان را به انحراف کشانده اند. بطور خلاصه بنا به نبود خط درست انقلابی جوانان به انحراف کشیده شده اند.

جوانان کشور ما با سایر بخش های اجتماعی پیوند عمیقی را دارا بوده و بیشتر اوقات منشاء تحولات، دگرگونی ها و پیشرفتهای قابل ملاحظه در تمامی عرصه های اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی بوده و میباشد.

بدون شک جوانان کشور، منجبت سرمایه اصلی جامعه مان نیروی غنی جامعه را تشکیل میدهند و در تمام بخش های اجتماعی کشور میتوانند و باید با مسئولیت پذیری هرچه بیشتر حضور موثر خود را در صحنه عمل بر جای بگذارند زیرا نقش جوانان در جامعه ما از اهمیت خاصی برخوردار است.

وقتی میگوییم جوانان نقش پل عبور میان نسل گذشته و نسل آینده را ایفاء میکنند، با درک این رسالت اجتماعی باید نسل نو را تربیت نموده و با احساس عمیق مسئولیت این نیروی اجتماعی آینده کشور را به آموزش و پرورش انقلابی آشنا ساخت. این نسل را طوری تربیت نمود که که عصیانگر و آزادیخواه باشد نه انقیاد طلب و برده صفت!

این وظیفه عمده تمامی جوانان کشورمان است که با تکیه بر تجارب مثبت و منفی غنی گذشته تاریخی مان، حال را تغییر داده و آینده را به سوی اهداف والا سوق دهند.

رشد و تقویت نسل جوان کشور یک رسالت میهنی است و با پذیرش این رسالت باید در راستای عملی آن گام نهاد و ادای این رسالت بزرگ اجتماعی، مستلزم اقدامات عملی و آموزش های انقلابی و فعالیت های مشترک همگانی میان جوانان است.

این وظیفه و رسالت تک تک جوانان ما اعم از دختر و پسر است که علیه وضع نامناسب کنونی به شدت مبارزه کنند. وضعیتی

مروری بر تفاهمنامه امنیتی با پاکستان

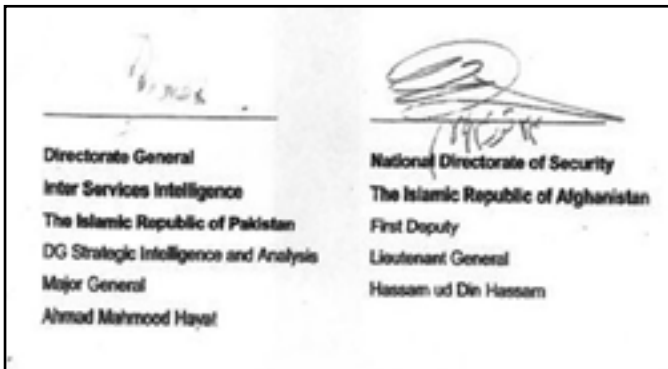
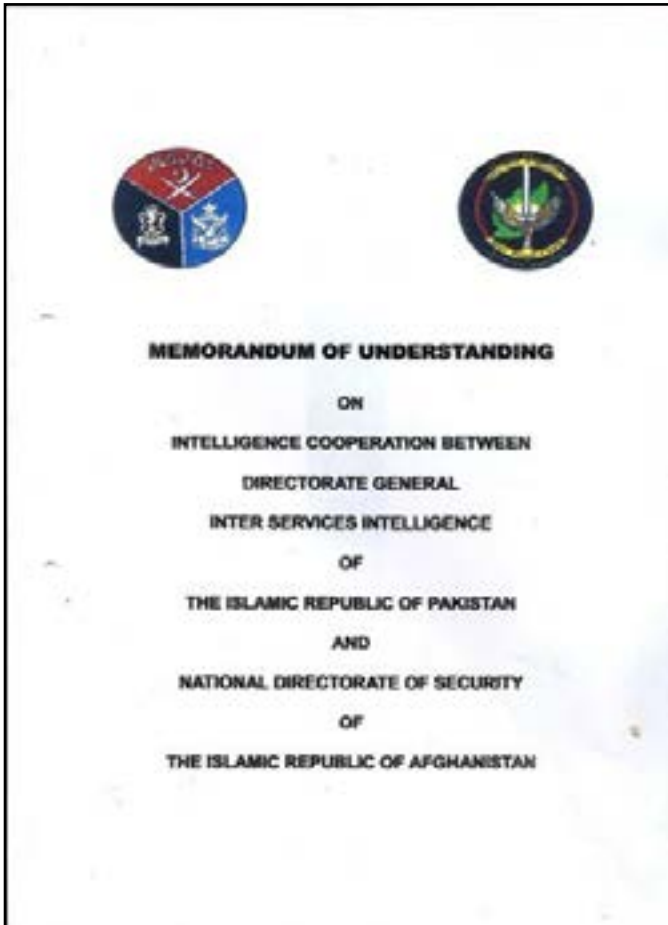
از آغاز تشکیل حکومت "وحدت ملی" یکی از سیاست های خارجی رژیم، عذر و التماس به پیش مقامات حکومت پاکستان برای فروکش کردن جنگ طالبان در افغانستان بود، این التماس ها تا حدودی توانست قدم هایی را در راستای تامین صلح با طالبان بردارد، تا اینکه روز دوشنبه ۲۴ ثور ۱۳۹۴، رژیم دست نشانده اشرف غنی (شاه شجاع چهارم) اعلام نمود که تفاهم نامه امنیتی با پاکستان امضاء شده است.

به تعقیب امضاء پیمان امنیتی با پاکستان، فرانسه تشویش و نگرانی اش را از صدور مواد مخدر از طریق خاک پاکستان اظهار داشت. چین از گسترش جنگ های مذهبی در مناطق مسلمان نشین مناطق آیغورها خبر داد، هند به دلیل گسترش روابط کابل - اسلام آباد، ضمن ابراز نگرانی، برخی از همکاری های خود را با کابل به حالت تعلیق درآورد و ایران به نوبه خود ترس از جدائی بلوچ ها از بدنه سرزمین اش را مطرح نمود. جدائی بلوچ ها از خاک ایران، عبارت از همان طرحی است که در سال ۲۰۰۵ میلادی تحت عنوان "خاورمیانه جدید" از سوی ایالات متحده امریکا ارائه گردید و با انعکاسات رسانه ای فراوانی همراه شد.

پاکستان با امضاء تفاهم نامه امنیتی وعده سپرد که اطلاعات شان را در مورد طالبان به دسترس حکومت "وحدت ملی" قرار دهد و طالبان را به پای میز مذاکره بکشاند. برین اساس ریاست عمومی "امنیت ملی" (ان دی اس) افغانستان تفاهم نامه استخباراتی را با استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) چنین ارائه نمود:

"اول) سازمان استخبارات نظامی پاکستان یا «آی اس آی» تعهد کرده است که به ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان کمک فنی کند.

دوم) سازمان امنیت ملی افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان توافق کرده اند تا اطلاعات شان را در مورد گروه های تروریستی مبادله کنند. (سخنگوی ریاست امنیت ملی کشور نیز به این بند یادداشت تفاهم به تاریخ ۲۰ می ۲۰۱۵ معادل ۳۰ ثور ۱۳۹۴ در نشست خبری اش اشاره کرد و گفت که دو طرف اطلاعات شان را در باره گروه های تروریستی داعش و القاعده مبادله می کنند.)



سوم) دو سازمان استخباراتی توافق کرده اند که با جدایی طلبی و گروه های جدایی طلب مبارزه می کنند.

چهارم) هر دو سازمان استخباراتی، با سازمان های استخباراتی دشمن مبارزه می کنند.

پنجم) افغانستان تعهد کرده است که به بازجویان پاکستانی زمینه بازجویی از زندانی های پاکستانی را در زندان های افغانستان فراهم کند.

این تفاهم نامه بین رضوان اختر رئیس اطلاعات نظامی پاکستان و رحمت الله نبیل رئیس امنیت «ملی» رژیم

دست نشانده، در کابل امضا شد و پس از امضاء این تفاهم نامه اعتراضات مدنی در بیشتر نقاط کشور به راه افتاد و رژیم پوشالی را تحت فشار قرار داد ولی طی یک مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی اشرف غنی اعلام کرد که: «در گذشته اینگونه تفاهمی بوده است»؛ یعنی دولت پاکستان در سال ۲۰۰۷ میلادی نیز از طریق وساطت دولت ترکیه با حکومت کرزی به تفاهماتی دست یافت ولی پس از اینکه دولت پاکستان در مهارنمودن فعالیت های شورای کویته علیه رژیم پوشالی ناکام ماند، دیگر اثری از آن تفاهم باقی نماند.

در مورد مساله سوم (مبارزه با گروه های جدایی طلب) باید گفت که این موضوع فقط در پاکستان وجود دارد نه در افغانستان. پاکستان سخت تلاش دارد تا جلو مبارزات ملیت های تحت ستم را در پاکستان مهار نماید. ماده سوم تفاهم نامه امنیتی به این امر اختصاص دارد. رژیم دست نشانده افغانستان نیز با پاکستان همنا گردیده تا جلو مبارزات ملیت های تحت ستم را بگیرد. این حرکت به زیان توده های زحمتکش افغانستان و پاکستان تمام می شود. هر دو طرف تفاهم نامه امنیتی (افغانستان و پاکستان) تلاش دارند تا طبق خواست و نیاز امپریالیست ها از مبارزات برحق توده ها بنام های گوناگون جلوگیری بعمل آورند. این از یک طرف که به منافع هر دو رژیم تمام می شود و از سوی دیگر این ماده منافع حکومت پاکستان را هم در نظر گرفته است، طوریکه اگر تا حال رژیم دست نشانده افغانستان می توانست از طریق همکاری با بلوچ ها و یا تحریک نمودن پشتون های آن طرف مرز، پاکستان را زیر فشار قرار دهد تا خواسته هایش را در نظر بگیرد، با امضاء این توافقنامه دیگر در این مورد دست و پایش بسته شده است. سر و صدایی که اپوزیسیون درون رژیم پوشالی (داکتر عبدالله و دار و دسته اش) براه انداخته اند نه بخاطر ضربه خوردن مبارزات توده های تحت ستم افغانستان است، بلکه بخاطر این است که مبادا رژیم پوشالی افغانستان با میانجیگری پاکستان با طالبان صلح کند و در آنوقت موقعیت کنونی شان به خطر افتاده و منافع شان مورد ضربت قرار گیرد. این تفاهم نامه امنیتی که میان رژیم پوشالی و دولت پاکستان عقد گردیده، بیشترین سود را امپریالیزم امریکا بدست می آورد. زیرا با امضاء این تفاهمنامه امریکا دیگر نیازی ندارد که نیروهای زیادی در داخل افغانستان نگه دارد و هزینه زیادی به مصرف رساند. همان چند هزار نیروی در نظر گرفته شده در افغانستان کافی است. افغانستان و پاکستان را با همان چند هزار (۲۵ هزار) نیرویش به خوبی کنترل می نماید.

از این به بعد هر دو رژیم مکلف اند تا طبق تفاهمنامه عمل نمایند و با مخالفین خویش وارد عمل شده و به یکدیگر کمک نمایند. در حقیقت امر امضاء این تفاهمنامه نه به سود توده های زحمتکش افغانستان است و نه هم به سود توده های زحمتکش پاکستان، از زمان لشکر کشی اشغالگران امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم امریکا به افغانستان، شدت جنگ ها و دامن خوردن اختلافات میان اقوام و قبایل در منطقه حادث گردیده است. زیرا هر جا که امپریالیزم پا گذاشت به جزء بدبختی و دامن خوردن اغتشاشات چیز دیگری به ارمغان نیاورد.

رژیم های ارتجاعی تحت حمایت امپریالیست ها دایما با حيله و نیرنگ می خواهند تا جلو مبارزات آزادیبخش خلق های تحت ستم را بگیرند و به شدت آنها مهار نمایند. اما توده ها و بخصوص نیروهای انقلابی باید به شدت علیه این حيله گری ها به مبارزه برخیزند و حيله و دسایس شوم شان را خنثی سازند. این تفاهمنامه امنیتی نیز حيله و نیرنگی است برای جلوگیری از مبارزات ملی و انقلابی خلق های تحت ستم علیه امپریالیزم و رژیم های ارتجاعی وابسته به آن.

یگانه راه خاتمه دادن به این نیرنگ ها، بسیج توده های زحمتکش تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، اتحاد خلق های زحمتکش هر دو کشور (افغانستان و پاکستان) و روی آوردن به مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه برای بیرون راندن اشغالگران امپریالیست از افغانستان و سرنگونی رژیم های دست نشانده شان است.

زنده باد اتحاد خلق های زحمتکش افغانستان و

پاکستان

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی

برای بیرون راندن اشغالگران از افغانستان

مرگ بر رژیم های مزدور افغانستان و پاکستان

سرنگون باد رژیم های ارتجاعی تحت حمایت

امپریالیست ها در افغانستان و پاکستان

بیکاری و نقش رژیم فعلی در آن

هزار نفر از کشور بطور قاچاقی خارج می شوند و روز بروز نفوس فعال کشور در حال متواری شدن به کشورهای خارجی و بخصوص کشورهای همسایه هستند که در آنجا اگر بتوانند کاری برای خود دست و پا نمایند.

میهن فروشانی که امروز بر اریکه قدرت تکیه زده اند جز به منافع خود و اربابان خویش به هیچ چیز دیگر نمی اندیشند و زندگی را بر مردم زحمتکش آنقدر سخت ساخته اند که حتی نمی توانند لقمه ای بخور و نمیری گیر بیاورند. مردم این دیار تمام سختی ها و مشکلات بشمول مرگ را پذیرفتند تا برای زنده ماندن برای دریافت کار به کشورهای خارجی بعنوان کارگر مسافرت نمایند. کارگران افغانستانی که به این طریق به کشورهای خارجی می روند علاوه بر تحقیر و توهین به شدیدترین وجه مورد ستم و استثمار قرار می گیرند. کارگران افغانستانی همه این مشکلات را بخاطر بدست آوردن لقمه نان صبح و شام پذیرفته اند.

این وضعیت اسفناک، محصلینی که از پوهنتون ها فارغ شده اند را نیز در خود پیچانده است. اکثریت مطلق محصلینی که از پوهنتون فارغ گردیده اند برای دریافت کار بعنوان کارگر به کشورهای همسایه آواره شده اند، کسانی که نتوانسته اند که در داخل کشور کاری برای خود بیابند عموماً ترکاری فروشی و یا میوه فروشی را برای دریافت لقمه نان بخور و نمیر اختیار نموده اند. در طول تاریخ افغانستان چنین دولت فاسد، بی بند و بار و بی کفایتی وجود نیامده است.

با جرئت میتوان گفت از زمانیکه رژیم پوشالی کنونی بر مسند قدرت با نام نمایشی وحدت ملی تکیه زده است وضعیت مردم از حالت اسفناک ریاست جمهوری شاه شجاع سوم یعنی کرسی بدتر گردیده است. اشغالگران امریکایی با روی کار آوردن چنین دولتی، بخوبی دارد نقشه هایش را پیاده می کند.

امروز زره زره خاک این وطن غرق خون است و مردم زحمتکش در سوگ عزیزان شان در غم و ماتم فرو رفته اند. بناء توقع از چنین رژیمی که وضعیت زندگی توده ها را بهبود بخشد جز توهمی بیش نخواهد بود. از چنین رژیمی هیچ انتظاری به جز خیانت و میهن فروشی نمی رود.

برای از بین بردن فقر و بیکاری باید به مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر علیه اشغالگران و رژیم پوشالی برخاست. فقط از این طریق است که می توان اشغالگران را بیرون راند و رژیم دست نشانده را از مسند قدرت بزیر کشید و جامعه دموکراتیک نوین را مسقر نمود و بطور سریع به سمت جامعه ای که در آن دیگر نشانی از ستم نباشد به پیش رفت.

به امید چنین روزی به پیش! ===== سیروس ۱۳۹۴/۴/۵

سرزمینی که امروز بنام افغانستان مسمی است و زادگاه ما میباشد، توده های زحمتکش آن در رنج و فقر زندگی هلاکت باری را می گذرانند. ناهنجاری و انزجار روز بروز بیشتر و گرسنگی و مرگ و میر و بیکاری افزون تر میشود. در اینجا قتل، خون و جنایت دال بر بزرگی است و اشخاص خاین و میهن فروش بر این سرزمین حکم میرانند. اینجاست، سرزمین هجاهای رنگارنگ و افراد متنوع و دورو و ده رنگ که با ساز اشغالگران می رقصند و هر یکی از جناحان شان را با نحوی در این رقص گرفتار کرده اند.

میهن فروشان افغانستان را برای خود جنتی ساخته اند اما مردم زحمتکش را به عنوان هیزم جهنم میسوزانند. بانگ صدایشان با ساز دروغی که کشورهای اشغالگر طراحی نموده اند میچرخد. زندگی توده ها روز بروز بدتر گردیده و فقر و بیچارگی سراسر کشور را فراگرفته است. توده ها بخوبی درک نموده اند که وعده های انتخاباتی یک عوام فریبی بیش نبوده است.

دولتی که امروز بنام وحدت ملی مسمی گردیده است، دولتی است که دو خاین و میهن فروش با دار و دسته شان با فرمان اوباما بر چوکی قدرت تکیه زده اند و بر سرنوشت این مردمان در بند کشیده شده حکم می رانند.

این دولت در اولین روزهای تکیه زدن بر چوکی دست نشانده، افغانستان را برای مدت طولانی به بادارش (امپریالیزم اشغالگر امریکا) فروخت. چرا دولت وحشت ملی چنین پاداشی برای اشغالگران امریکایی اهدا نمود؟ به همه کس واضح و آشکار است که اگر اشغالگران امریکایی پا به میدان نمی گذاشت هیچ کدام این جنایت کاران (ع و غ) به این چوکی دسترسی پیدا نمی کردند. این پاداش برای امریکا به منظور به قدرت رساندن شان بود. از همان زمان بقدرت رسیدن این دو خاین مشخص بود که نه می توانند و نه می خواهند برای توده ها کاری انجام دهند. باید در پرتو چنین رژیمی توده ها زندگی جهنمی را تجربه کنند. دولتی که با طرح امریکا و متحدانشان پی ریزی شود و با سازشان برقصد بهتر ازین نخواهد بود.

امروز صدای زجه و ناله های غمگین توده ها از کمترین مسافت به گوش میرسد، زجه و ناله از رنج و درد، زجه و ناله از فقر و بیچاره گی، زجه و ناله از در بدری و آوارگی و ... اما دولت وحشت ملی همه ای این ها را نادیده گرفته و از کنار آن به سادگی میگذرد و به فکر جا و مقام خویش است و سردرگم اما با هدف پیاده نمودن منافع اشغالگران و بخصوص اشغالگران امریکایی در یک مسیر سرد و ملال آور تاریخ حرکت می کند.

سرزمینی که بیکاری به اوج اش رسیده و مردم اش در دریای طوفانی دست و پا می زنند که مسیرش ناپیدا است. مردمی که وضعیت شان از لحاظ اقتصادی درهم و برهم است و از دست بیکاری، روزی هزاران

د هیواد په کچه دکډوالی چټک بهیر



جاوید - 1394/4/4

په لمړی سرکی باید لاندی مفاهیم تعریف کړو.

کډوال (مهاجر): هغه چاته ویل کیږی چی داقصادی، سیاسی، مذهبی اونژادی لاملونو له وجه خپل هیواد څخه بل هیواد ته ورځی.

کډوالی (مهاجرت): دخلکو له یو ځای نه بل ځای ته دنامساعده

شرایطو لکه فقر، بی کاری، جنگ او سیاسی مسایل، داستوگنی لپاره ورتگ ته کډوالی ویل کیږی.

دکډوالی ډولونه:

کډوالی له بیالاییلو اړخونه څخه د ویشلو وړتیا لری.

کډوالی دسیاسی قلمرو له اړخه:

• کورنی کډوالی.

• بهرنی کډوالی.

کډوالی د زمان (وقت) له پلوه:

• دایمی کډوالی (قطعی کډوالی).

• اوږده کډوالی.

د کډوال له نظره (خوښه) کډوالی:

• اختیاری (په خپله خوښه) کډوالی.

• اجباری (په زور) کډوالی.

کډوالی دقانون له اړخه:

• قانونی کډوالی

• غیر قانونی کډوالی

د انسانانو د تعداد له پلوه کډوالی:

• فردی (یوانسان) کډوالی.

• جمعی (ډیرشمیرانسانان) کډوالی.

د کډوالی لاملونه:

1. بی وزلی.

2. جگړه.

3. دینی مسایل.

4. نژادی (توکمیزه) تصفیه.

5. قتل عام (ټول وژنه).

6. رادیکالیزم (بنسټ پالنه).

7. د اقلیم (اوبه او هوا) بدلون.

8. جغرافیایی موقعیت (جیوپولیتیک)

۱. بی وزلی: د پوهانو له نظره د بی وزلی لپاره یو جامع تعریف نشو پیدا کولی ځکه چی په هر هیواد کی د بی وزلی کچه اوبنه توپیرلری، خوبیا هم ځینی پوهان بی وزلی داسی تعریفوی (هغه ټول لاملونه چی دانسان معقولی اوپرځای غوښتنی محدودیکری فقر یا بی وزلی بلل کیږی) بی وزلی له وزکارتیا، بی سوادی، جگړی، د صحی خدماتو نشتون... سر مستقیمه اړیکه لری. دافغانستان ډیری پرگنی او خلگ د بی وزلی ترلیکی لاندی ژوند کوی، د راپورونه پربنسټ د افغانستان ۶۰٪ خلگ دبی وزلی ترکړسی لاندی ژوند کوی.

دکارنشتون او د اولیه توکو (وړه، غوری او وریژی) لوری بیی هغه لاملونه دی چی افغان ولس یی دی ته اړیکری دی چی د خپلی کورنی د گیدی میولو لپاره بهرنی هیوادنوته کډوال شی.

۲. جگړه: افغانستان دخپل جیوپولیتیک او جیوستراتیژیک موقعیت له پلوه تل د نړی د سترو زبرځواکونه تر نظر لاندی و، په نولسمه او شلمه پیړیو کی افغانستان د تزاری روسیه او بریتانیایی امپراطوریو ترمنځ د سیالی په ډگر بدل شوی وه، او دغه دواړو یرغلگرو هیوادنو غوښتل چی افغانستان ترخپل ښکیلاک لاندی راولی.

چی د بریتانیا امپراطوری دری ځله دغه هیواد اشغال کړ، کله چی په دویمه نړیواله جگړه کی د بریتانیا امپراطوری ړنگه شوله، د سړی جگړی په درشل کی سوسیال امپریالیستانو دغه هیواد اشغال کړ او پوره نهه کاله دغه هیواد د سوسیال امپریالیستی ځواکونو ترښکیلاک لاندی و د یرغل په دوران کی د افغان پرگنو د شهادت او ټپی کیدو ترڅنگ افغانستان په بشپړه توگه ړنگ شو او کوم افغانان چی له دغی خونړی جگړی څخه ژوندی پاتی شوی ول د نړی په گوټ، گوټ کی کډوالی ته اړ شول. د ځینیو راپورونو له مخی همدا اوس د نړی په ۹۲ هیوادونو کی افغانان د کډوالی شی او ورځی سبا کوی.

کله چی د سوسیال امپریالیزم ښکیلاک گر پوځ مات او دهغی لاس پوځی رژیم هم ړنگ شو، په افغان کډوالو کی دهیواد ته د بیرته راستنیدو هیلی را وټوکیدی خو بدبختانه د جهادی

ته ورسپړی، په هغه هیواد کی نه یواځې چی له ستونزو نه خلاصون نه مومی بلکه په نوموړی هیوادنو کی له نورو ستونزو سره لاس او گریوان کپړی.

چی د بیلگی په بڼه په ایران، پاکستان او ترکیی هیوادونوکی د افغان کډوالو ستونزو ته یولنډه کتنه کوو.

ایران چی د افغانستان په غرب کی پروت دی افغانستان سره اوږده پوله لری او افغانان له ډیر پخوا څخه دغه هیواد د مهاجرت لپاره تلل، خو کله چی په افغانستان باندي د سوسیال امپریالیزم (نوی تزاری روسیه) ځواکونو نظامی یرغل وکړ یوشمیر افغانان ایران ته کډه شول، په ایران کی افغانان له گڼوستونزو سره مخامخ دی د ایران آخوندي رژیم په وار، وار سره بی گناه افغانان په دار ځړولی دی، همدا رنگه د ایران په کرغیرنو زندانو کی زرگونه بی گناه افغانان بندی دی، له بلی خوا له تیرو دری کلو راهسیی د ایران امنیتی ځواکونه په منظم ډول افغان کډوال سوریه ته استوی چی د بشار اسد د رژیم د بقا لپاره وجنگیږی، تیره میاشت د اهراراشام (اهرام شام یوه جهادی ډله ده چی د بشار اسد په وړاندي جگړه کوی اودغه ډله د عربی هیوادنو له خوا تمویلپړی.) ډلی یووتلی قومندان (الحلبی) د سوریی په حلب ښار کی د الجزیره تلویزیونی شبکی ته ویلی ول چی دوی سره نږدی ۵۰۰ افغانان له تیر یوه کال څخه را په دی خوا اسیران دی. اوکه د بشار اسد رژیم دغه اسیران د لبنان حزب الله او یا ایرانی اسیرانو غوندي تبادل نکړی دوی به د دغو اسیرانو محکمه پیل کړی، له بلی خوا تیره اونی د داعش تروریستی ډلی هغه شل افغانان د سوریی په پالمیرا ښار کی په عام محضر کی اعدام کړل چی د سوریی د رژیم لپاره جگړه کوله او د داعش په لاس اسیران شوی ول له بلی خوا د ایران سینماهم په سیستماتیک ډول د افغانانو پرضد فلمونه جوړوی چی په نوموړو فلمونو کی د افغانانو څیره په کی توره ښودل کپړی.

په پاکستان کی هم د افغان کډوالو ژوند لکه په ایران کی د میشتیو کډوالو غوندي تریخ دی، پاکستاني پوځ او پولیس افغانان په بیلابیلو پلمو ځوروی او پیسی تری اخلی، همدا رنگه د پاکستان حکومت هره میاشت د افغانانو پنډغالی وړانوی چی په پایله کی لسگونه افغانانو ته مرگ ژوبله اوړی چی د بیلگی په بڼه د ذاخیلو او نوشهره پنډغالی نومونه اخستیلی شو.

تنظیمو ترمخ خپل منځی خونړی جگړو اوورسته بیا د طالبانو راتگ نه یواځې افغان کډوالو ته د بیرته راستنیدو فرصت اوموقع ورنکړه بلکه په افغانستان کی د کډوالی دوهمه دوره هم پیل شوه.

کله چی په ۲۰۰۱ کال کی د یانکی امپریالیزم په مشری غربی امپریالیستی هیوادنو په افغانستان باندي یرغل وکړ په افغانستان کی د کډوالی دریم پړاو هم پیل شو او یوزیات شمیر افغانان د آمریکایی ځواکونو دوحشیانه بریدنو له ویری خپل کور او کلی پریښود او ښارنوته کډه شول په لویوښارونوکی هم د کار نشتون اوبی وزلیو له وجی بهرنیو هیوادنو ته مهاجر شول.

د راپورنو له مخی افغانستان له سوریی، عراق او فلسطین څخه ورسته په نړی کی ترټولو ډیرکډوال لری، چی عمده دلیلونه یی په لمړی سرکی بی وزلی اووروسته بیا جگړه بلل کپړی.

دبی وزلی او جگړی ترڅنگ ځینی افغان ځوانان د واده د مصارفو پوره کولو لپاره هم بهرنیو هیوادنو ته او په تیره بیا گاونډیو هیوادنو ته مهاجرت کوی، ځکه چی په افغانستان کی د واده مصارف ډیرلوړ او ملاماتونکی دی.

په بهرنیوهیوادونوکی د افغان کډوالو ستونزی په هیڅ هیواد کی یو کډوال او مهاجر د هغه هیواد له اصلی تبع (اصلی اوسیدونکی) سره برابر نه گڼل کپړی، خو په ځینی هیوادنو کی له کډوالو سره خورا ناوړه چلند کپړی.

افغانان چی د نړی په گوټ، گوټ کی د کډوالی شپي او ورځي سبا کوی په غه هیوادونوکی له گڼوستونزو څخه سرټکوی، په لمړی سر کی افغان کډوال د نوموړو هیوادنو ته دی رسیدلو لپاره ډول، ډول ستونزی کالی، اکثرأ کډوال په لاره کی خپل ژوند له لاسه ورکوی یا په سمندرونو کی ډوبیږی او یا هم د وحشی ځناورو خوراک کپړی، ځینی وخت د قاچاقبرانو او یا هم د نوموړی هیواد د سرحدی ځواکونه له خوا په ډیری بی رحمی سره وژل کپړی چی ترټوله تازه بیلگه د فراه ولایت په سرحدی سیمه کی د اخوندي رژیم لخوا دی ۳۰ افغان کډوالو شهادت ته اونغوته(اشاره) کولی شو.

کله چی افغان کډوال د ډیرو ستونزو په کاللو سره بل هیواد

سرطان ۱۳۹۴ (جولای ۲۰۱۵)

له بلی خوا پاکستانی پوځ تیره میاشت په زرگونو افغانان په پاکستان کی د هند د استخباراتی شبکی (راو) او د پاکستان د طالبانو تحریک سره د اړیکو په تور نیولی دی.

ترکیه چی د اروپایی هیوادنو ته د تگ دروازه گڼل کی یوشمیر زیات افغانان داروپایی هیوادنو ته تگ لپاره باید په لمړی سرکی ترکیه ته ولاړشی ویل کیږی چی افغان کډوال په ترکیه کی هم له سختو کړاونو سره لاس اوگریوان دی، د ځینیو راپورنو له مخی افغان زیارکښان په ترکیه کی هره ورځ د لاس ساعتی کارکوی، مگر په بدل کی د شپږساعتونه مزد ترلاسه کوی له بلی خوا هر وقت داسی راپورنه ورکول کیږی چی په ترکیه کی یو شمیرافغان کډوال د یخنی له وجی خپل ژوند له لاس ورکوی چی تازه پینښه تیره میاشت د ترکیی هیواد دوان په ښار کی د اته افغانانو مرگ ته اشاره کولی شو.

پیلامه (نتیجه گیری) : لکه څنگه چی مو وویل افغانان هغه مهال کډوالی ته اړشول چی د سوسیال امپریالیزم ځواکونو دغه هیواد ترخپل ښکیلاک لاندی راوست، دجهادی تنظیمونو خپل منځی خونړیو جگړو اورسته بیا د طالبانو راتک سره د افغانانو

د کډوالی دویمه دوره پیل شوه، خوکله چی غربی ښکیلاک گرو د امریکا په مشری په افغانستان یرغل وکړ او د یرغل لری لاهم داوم لری د مظلومو افغانانو د مهاجرت دریم پړاو پیل شو، په تیرو د یارلس کلونو کی په زرگونه افغانان بهرنیو هیوادنو اوپه تیره بیا گاونډیو هیوادنو ته مهاجرشوی دی خوکله چی د ملی وحشت په نوم سهامی شرکت چی د امریکا په سفارت کی د جان کری لخوا جوړشو، ورسره جوخت د کډوالی بهیر په افغانستان کی په بی ساری ډول چټک شو، ځکه چی د دغه رژیم د منځ ته راتلو سره سم په افغانستان کی جگړه توده شوه او د بی وزلی او وزگارتیا کچه تر پخوا ډیره لوړه شوی.

د افغان کډوالو د بد بختی د ختمیدو یواځینی د حل راه هیواد ته د دوی آبرومندانه اوباعزته راستنیدل دی، دا کار ترهغه دمه شونی ندی چی په هیواد کی یو ملی او نوی دموکراتیک حکومت منځ ته رانشی او یو نوی دموکراتیک حکومت هغه وخت منځ ته راتللی شی چی، دملی، ولسی او انقلابی غورځنگ تر قیادت لاندی یرغلگر پوځونه له افغانستان څخه وشړل شی او د دوی لاس پوخی رژیم هم ړنگ شی.

تجاوز بیشرمانه عربستان سعودی به یمن دسیسه امپریالیزم امریکا است



جالب این جا است که رژیم دست نشانده افغانستان و حزب منفور و جاسوس اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار نیز از این تجاوز اعلام حمایت نموده است. در حالیکه رژیم دست نشانده افغانستان به حمایت اشغالگران سرپا ایستاده است. اگر این دست از سرش بر داشته شود یک روز هم به عمرننگین خود ادامه داده نمی تواند. با این وضعیت اسفبارش از تجاوز به یمن حمایت می نماید. اعلان حمایت از تجاوز به یمن بخاطر خوش خدمتی به

۲۹ جوزای ۱۳۹۴

درشامگاه بیست و شش ماه مارچ سال ۲۰۱۵ میلادی نیروهای متجاوز کشورهای عرب به سرباندی رژیم مستبد و حلقه به گوش امپریالیزم یانکی (رژیم آل سعود) تجاوز بی شرمانه را علیه مردم مظلوم، بی گناه و فقیر یمن آغاز نمودند.

حالا که بیشتر از دو ماه از این تجاوز خون بار می گذرد، رژیم آل سعود هیچ دستاوردی از لحاظ سیاسی و نظامی در یمن ندارد، و با گذشت هر روز این تجاوز تنها به تعداد شهدا و مجروحین ملکی و ویرانی بیشتر یمن منجر می گردد و یگانه "دست آورد" نیروهای متجاوز "افزایش خشم و انزجار توده های یمنی علیه نیروهای متجاوز است، گفته می شود که ارتجاع سعودی به اشاره و دستور امپریالیزم یانکی به کشور یمن تجاوز نموده است. از همین رو نهادهای به اصطلاح "حقوق بشر" و سازمان نام نهاد ملل متحد تا به حال یک اعلامیه خشک و خالی در محکومیت این تجاوز عریان صادر نکرده است، از "سازمان ملل متحد" و "حقوق بشر" هم توقعی بیشتر از این نمی رود، زیرا این دو سازمان وسیله است در دست امپریالیزم امریکا.

حکومت هم نتوانست به عمرش ادامه دهد و بالاخره وی نیز به عربستان سعودی فرار نمود.

عربستان سعودی تلاش داشت تا دوباره منصور هادی را به قدرت باز گرداند، اما تلاشهایش نتیجه ای در پی نداشت، با این حال به اشاره امپریالیزم امریکا تصمیم به ائتلاف ده کشور عربی تحت رهبری خود علیه یمن گردید. این ائتلاف به بهانه دفاع از حکومت به اصطلاح مشروع منصور هادی تجاوز لجام گسیخته نظامی را به کشور یمن آغاز نمود.

واقعیت های عینی بیانگر آنست که در پشت این تجاوز لجام گسیخته رژیم سعودی، امپریالیزم یانکی قرار دارد و ارتجاع سعودی به اشاره وی این حمله را انجام داده است. عربستان سعودی از این نگران است که اگر در یمن یک حکومت شکل بگیرد که در آن اقلیت شیعه نقش داشته باشد این کار به اقلیت شیعه این کشور که در حال حاضر از هیچ حقوق انسانی برخوردار نیستند فرصت خواهد داد تا با رژیم آخندی ایران علیه عربستان سعودی متحد شود، بناء برای مهار نمودن این حرکت به یمن حمله نظامی نموده است.

تجاوز عربستان سعودی به یمن ریشه های اقتصادی هم دارد گفته می شود که بعد از تنگه هرمز تنگه باب المندب بزرگترین تنگه است که رژیم سعودی از آن جهت انتقال نفت به کشورهای اروپایی استفاده می کند و عربستان سعودی ترس از این دارد که با گرفتن قدرت سیاسی یمن توسط حوثی ها این تنگه را از دست بدهد، لذا تلاش می نماید که با شکل دادن یک حکومت دست نشانده در یمن کنترل این تنگه را بدست گیرد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تجاوز خونین ارتجاع سعودی که در هم سویی با امپریالیزم یانکی به کشور یمن صورت گرفته است را شدیداً تقبیح نموده و از مبارزه توده های یمنی علیه تجاوز عربستان سعودی اعلام حمایت می کند.

توده های ستمدیده یمن باید این نکته را خوب درک نمایند که نه جنبش انصارالله (جنبش حوثی ها) و نه دیگر جنبش های ارتجاعی آنها را از بند ستم و استثمار نجات می دهد، بلکه یگانه راه نجات توده های ستمدیده یمن از قید ستم و استثمار جنبش انقلابی تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر می باشد. چنین جنبشی می تواند که با اتحاد تمام طبقات زحمتکش، سه کوه (امپریالیزم، فیودالیزم و سرمایه داری بروکرات) را از جلوی راه بردارد و بر ستم خط بطلان بکشد. تا زمانیکه توده های زحمتکش یمن تحت چنین رهبری حرکت نکنند چه حوثی ها قدرت را بدست گیرند و چه عبدالله صالح و یا منصور هادی و یا هر مرتجع دیگری وضعیت توده های زحمتکش نه تنها بهتر نخواهد شد، بلکه روز به روز وضعیت شان بدتر خواهد گردید. به امید آرزوییکه جنبش همگانی توده های یمن تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر به حرکت در آید.

امپریالیزم امریکا است نه چیز دیگر. زیرا جنبش حوثی ها مطابق میل امپریالیزم امریکا نیست. رژیم دست نشانده باید حرکاتش را مطابق میل بادارش تنظیم نماید. به این دلیل از تجاوز به یمن به سر دمداری عربستان سعودی حمایتش را اعلان نموده است.

قبل از آن که راجع به عوامل تجاوز رژیم دست نشانده سعودی به یمن بپردازیم خوب است که معلومات مختصری راجع به کشور و مردمان یمن ارائه نماییم.

کشور یمن از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غرب آسیا و در جنوب شبه جزیره عربستان سعودی موقعیت دارد، به اساس شواهد تاریخی اولین دولت مرکزی در کشور یمن ۱۲۰۰ قبل از میلاد تشکیل گردیده بود، کشور یمن از نظر ملیتی و دینی یک کشور کثیرالمیلتی می باشد، چنانچه از نظر ملیتی از عرب گرفته تا افریقایی و از هندی تباران گرفته الی ایرانی در این کشور ساکن اند. از نظر دینی هم این کشور متنوع است. اکثریت جمعیت این کشور را مسلمانان (۵۳٪ سنی پیرو مذاهب شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی و ۳۲٪ شیعه زیدی، دوازده فیصد امامی و اسماعیلی) و فیصدی باقی مانده را پیروان ادیان دیگر تشکیل میدهند.

به اساس گزارش ها درآمد ناخالص ملی کشور یمن سالانه حدود ۶۱ میلیارد دالر می باشد و با عاید سرانه ۲۵۰۰ دالر و نرخ بی کاری ۳۵ درصد یکی از فقیرترین کشورهای جهان عرب می باشد اما به دلیل موقعیت استراتژیک آن در ادوار مختلف تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

کشور یمن در سال ۱۹۶۲ به دو کشور مستقل یکی جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی) تجزیه شد که در سال ۱۹۹۰ با اتحاد هر دو کشور واحد یمن به وجود آمد.

در پی بهار عربی سال ۲۰۱۱ کشور یمن نیز دچار تحول شد علی عبدالله صالح که از سال ۱۹۹۰ بر اریکه قدرت این کشور تکیه زده بود، و درتبانی با امپریالیزم یانکی و ارتجاع سعودی توده های یمن را مورد ظلم و استثمار قرار میداد در پی قیام مردمی و فشار افکار عمومی از قدرت خلع و به خارج از کشور پناهنده گردیده و قدرت را در سال ۲۰۱۲ به معاون خویش منصور هادی واگذار نمود.

منصور هادی بجای تکیه به مردم و توده های یمنی بیشتر به امپریالیزم یانکی و ارتجاع سعودی اتکا نمود و در پی برآورده شدن منافع کشورهای فوق برآمد که در نتیجه با شورش و قیام توده های یمنی که در راس آن جنبش انصارالله (جنبش حوثی ها) قرار داشت مواجه گردید که در ابتدا در پی فشار توده های یمنی از ریاست جمهوری استعفا نمود اما به تحریک ارتجاع سعودی و امپریالیزم یانکی استعفایش را دوباره پس گرفت و با فرار از پایتخت صنعا در شهر عدن حکومت جدید را برپا نمود اما این

اعتصاب برحق معلمان پایتخت را سراسری سازیم

دیگر مساله، بی سرنوشتی دانش آموزان و ضربه شدیدی که از ناحیه رخصتی های اجباری متحمل میگردند، مسوول آن اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدور آن می باشند. از جانب دیگر چشمداشت و توقع از رژیمی که خود، در مزدور منشی، جنایت، خیانت و فساد اداری، روی رژیم های همسان خود را سفید می سازد، یک توقع بی جا و بی مورد است؛ چرا که مسوول همه فلاکت های کنونی، تعطیلی مکاتب و حالت رقتبار زندگی توده های زحمتکش بخصوص آموزگاران و سایر مشکلاتی که دامن گیر مردم ما گردیده، اشغالگران و رژیم پوشالی است.

بنا تنها با مبارزات روش مند و پیگر که مبتنی بر استقلال خواهی، آزادی و مبارزه بی امان برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر، سرنوشتی رژیم پوشالی و استقرار جامعه دموکراتیک نوین میباشد، میتوان بر تمام نابسامانی های موجود فایق آمد. اینجاست که آموزگاران مسوولیت بس بزرگ برای آموزش انقلابی نسل امروز و فردای میهن دارند. آنها نسلی که عصیانگر، مبارز و آزادیخواه باشند، تا بتوانند با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم پوشالی به پا خیزند، تا شیرازه ستم و نابرابری را از بنیاد نابود سازند، و دیگر شاهد زجر و ستم بر توده های کشور و به ویژه آموزگاران نباشیم.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان ضمن دفاع از حقوق برحق آموزگاران کشور و حمایت از مبارزات صنفی آنان، یکبار دیگر تعهد می بندد تا با تمام نیرو و توان خویش برای بیرون راندن اشغالگران امپریالیست و سرنوشتی رژیم پوشالی و استقرار جامعه دموکراتیک نوین، مبارزه جدی و بی امان خویش را به پیش سوق دهد و درین راه آموزگاران متعهد کشور، و سایر نیروهای مبارز و انقلابی را برای بسیج درین مسیر مبارزاتی فرا می خواند، تا دیگر شاهد، بی عدالتی علیه آموزگاران و توده های رنج دیده کشور نباشیم.

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

پیروز باد مبارزات برحق معلمان کشور!

نابود باد ستم و نابرابری علیه معلمان و سایر توده های کشور!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۲۰ جوزای ۱۳۹۴

نزدیک به ده روز از اعتصاب درسی آموزگاران، در شهر کابل می گذرد و اکنون این رویداد که در نخست از لیسه حبیبیه آغاز گردیده بود، بیشترین مکاتب شهر کابل را در بر گرفته است. دانش آموزان پایتخت این روزها با دروازه های بسته مکاتب روبرو هستند و از آموزش باز مانده اند. در جریان کمپاین های انتخابات نمایشی ریاست جمهوری رژیم در سال پار خورشیدی، هر دو دلقک سیاسی، (عبدالله و غنی) به آموزگاران وعده های سرخرمنی زیاد داده بودند که گویا به محض تکیه زدن بر اریکه قدرت "زندگی شاهانه" را برای آموزگاران به ارمغان می آورند. هر دو وعده افزایش معاش و توزیع زمین به منظور اعمار منازل مسکونی را برای معلمان داده بودند تا به این بهانه، رای آنها را به نفع خود به صندوق ها بریزانند.

واقعیت اما چیزی دیگریست که نه تنها آموزگاران، بلکه اقشار گوناگون جامعه را دچار توهّم ساخته است. رژیم مزدور فعلی که به اصطلاح نام حکومت وحدت ملی را با خود یدک می کشد، نه تنها از متن به اصطلاح انتخابات مورد قبول شان بیرون نیامده، بلکه با فشار امپریالیستهای اشغالگر و مداخله مستقیم جان کری وزیر خارجه امریکا، بر مبنای یک رویکرد غیر حقوقی که حتا مورد قبول خودشان نیز نبود، ایجاد گردیده است. یعنی رژیم فعلی به مراتب از رژیم کززی، فاسد تر، پوشالی تر و بر مبنای معیاری های به اصطلاح قانون اساسی سرهمبندی شده خودشان نیز سازگاری ندارد. از این رو این رژیم حتا در نزد برخی از مشمولان و منسوبان خود نیز جایگاه حقوقی و قانونی ندارد و تنها با یک ساخت و ساز نمایشی زیر فشار جان کری شکل گرفته است و نسبت به رژیم کززی حالت خیلی ها شکننده و مزدور منشانه دارد. پیامد هایی که از انتخابات پر از تقلب و نمایشی سال پار رژیم بر توده ها اعمال گردید، جز ضربه شدید اقتصادی، تشدید نا امنی، و قهقهه رفتن بیشتر زندگی توده ها چیزی نبود.

امروزه رژیم، خود از درون ساختار خویش، با یک حالت نامتجانس روبرو می باشد و شکنندگی درونی آن هر روز بیشتر از پیش در سطح تصمیم گیری ها و رویه های سیاسی اش متبلور می گردد. بر این مبنای است که شعارهای دروغین دوران به اصطلاح پیکارهای انتخاباتی "رهبران حکومت وحدت ملی" شعارهای میان خالی و فریبنده بود. که جز ایجاد توهّم و ترفند چیزی بیش نبود و نیست.

از این رو اعتصاب درسی آموزگاران پایتخت به مثابه مبارزه برای حقوق صنفی شان که یک رویکرد اصولی میباشد، اما پهلوی

از این پس خدمات صحت رایگان نخواهد بود

جاوید ۱۴/۳/۱۳۹۴



پارلمان مزدور رژیم دست نشانده در سلسله اقدام جنایت کارانه خویش این بار طرحی رابه تصویب رساند که به اساس آن پس از این در شفاخانه های تحت نظر رژیم دست نشانده خدمات صحت رایگان ارائه نخواهد شد. یعنی توده های فقیر و رنجبر افغانستان از این به بعد باید در بدل دریافت خدمات صحت در شفاخانه های رژیم پوشالی پول بپردازند. این در حالی است که اعضای خود فروخته و بی ضمیر پارلمان پوشالی افغانستان هرکدام ماهانه در حدود دو صد و پنجاه هزار افغانی در قالب (معاش، خرج دسترخوان، معاش محافظ و تیل موتر) پول از رژیم دست نشانده دریافت می کنند البته در پهلوی این معاش، مزدوران پر و پا قرص اشغالگران پول های هنگفت دیگری در قالب کمیشن کاری، جاسوسی، قاچاق و اختطاف نیز به دست می آورند.

این اقدام ضد بشری و جنایت کارانه پارلمان پوشالی که در تباری با سرباند رژیم پوشالی صورت گرفته است، در تضاد آشکار با "قانون اساسی" (قانون ساخته و پرداخته شده اشغالگران) رژیم دست نشانده می باشد، چون در آن "قانون" به صراحت آمده است که بخش های صحتی، معارف و تحصیلات عالی در افغانستان رایگان می باشد. اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده زمانیکه منافع شان تقاضا نماید قانون ساخته و پرداخته خودشان را زیر پا می کند، اما از دیگران می خواهند که به آن احترام گذارند!؟

این طرح (طرح از بین بردن خدمات صحت رایگان) یک گام دیگری در راستا روند روبه رشد خصوصی سازی کشور محسوب می گردد، گفته می شود که نخستین شفاخانه در کابل در زمان حاکمیت امیر عبدالرحمان خان (دست نشانده انگلیس و قاتل توده های افغانستان) بنام ابن سینا تهداب گذاری گردید بود که توسط دو کتوران هندی وانگلیسی اداره می شد، این شفاخانه در زمان حکم روایی شاه امان الله خان غازی به مدیریت مستقل طبی ارتقاء یافت و از امکانات وسیع برخوردار گردید. برای نخستین بار بر علاوه خانواده سلطنتی توده ها نیز جهت معالجه به این مرکز رجوع می نمودند.

گفته می شود که امان الله خان بعد از برگشت از سفر به کشور شوروی تصمیم گرفت تا بخش های معارف، صحت و تحصیلات عالی در کشور به شکل رایگان خدمات شان را به مردم افغانستان ارائه نماید.

بعد از اشغال کشور توسط امپریالیستهای غربی، به بهانه اعمار مجدد سیستم صحت ظاهراً میلیون ها دالر در این بخش هزینه گردید اما دریغاً که ماموران عالی رتبه رژیم دست نشانده در تباری تنگاتنگ با با داران خارجی شان این پول ها را به یغما بردند. چنانچه دو هفته قبل از به یغما بردن میلیون ها دالر پول خدمات صحتی در افغانستان سر خط تلویزیون های رژیم دست نشانده بود. طبق تحقیقاتی که انجام شده پیسه ۹۰۵ باب شفاخانه و کلینیک بخاطر اعمار پرداخت گردیده اما یک باب از این شفاخانه ها تعمیر نگردیده و فقط صرفاً این شفاخانه ها به نام موجودیت دارد، واز لحاظ فیزیکی موجودیت ندارد.

ساختن بخش های صحتی افغانستان به حالت استاندارد مانند سایر عرصه ها (بخش مبارزه بامواد مخدر، محو خشونت علیه زن و بلند بردن سطح تعلیم و تربیه در افغانستان) در حد شعار باقی

ماند و افغانستان بعد از سیزده سال اشغال و به قول مزدوران اشغالگران آمریکایی بعد از "سیزده سال کمک جامعه جهانی" و در راس آن امریکا هنوز هم دارای یک سیستم صحتی ابتدایی نگردیده و مردم افغانستان برای معالجه امراض بسیار عادی به صد مشکل به کشورهای همسایه (ایران، پاکستان و هند) میروند.

افغانستان یک کشور کوهستانی می باشد که درجه حرارت در آن بین (۱۵-) الی (۴۵+) درجه سانتیگراد در حال نوسان است که درچنین آب وهوایی بیماری های نظیر محرقه، سرخکان، اسمانمونیا، ملاریا، لشمانیا، توبرکلوز، سیاه سرفه، کولرا و فلج اطفال به خوبی رشد و نمو نموده و به دیگران سرایت می کند، مردم افغانستان هم به دلیل فقر و بیکاری گسترده به شفاخانه ها و مراکز درمانی که تحت نظر رژیم دست نشانده فعالیت می کند مراجعه می نمایند، اما شوربختانه دراین مراکز داکتران و کارمندان صحتی روزانه برای چند ساعت محدود وظیفه اجرا میکنند و زمان باقی مانده شان را در معاینه خانه های شخصی خویش سپری می نمایند، حتی زمانیکه داکتران درشفاخانه های که تحت نظر رژیم دست نشانده می باشد کار می نمایند به بهانه نبود ادویه و وسایل تشخیص امراض، مریضان را به معاینه خانه های شخصی شان رهنمایی می کند. در حالیکه در شفاخانه ها وکلینک های شخصی سطح خدمات صحتی آنقدر پائین است که اگر مریضی در وضعیت بد قرار داشته و یا قرار بگیرد فوراً او را به شفاخانه های دولتی روان می کنند. در حقیقت خدمات صحتی در افغانستان امروز بهترین منبع عواید برای یک عده گردیده است. یا بعبارت دیگر خدمات صحتی بهترین منبع چور، چپاول تودهای زحمتکش افغانستان گردیده است.

روند خصوصی سازی صحتی به داکتران اجازه می دهد که در معاینه خانه ها و دواخانه های شخصی هر داکتر طبق میل و اراده خویش نرخ فیس و دوا را تعیین کند، چنانچه تفاوت قیمت ادویه یک نسخه بین دواخانه کلینک و یا شفاخانه شخصی و دواخانه ها بازار خیلی زیاد است. خودم شخصا چندین مرتبه این حالت را امتحان نمودم. بطور مثال یک نفر از اعضای فامیلم نیاز به عملیات عاجل داشت، او را در شفاخانه لقمان حکیم بستری نمودیم، تا زمان عملیات دو نسخه از دواخانه لقمان گرفتم، بعد از عملیات نسخه دیگر که می خواستم بگیرم پیسه ام کم بود

برای گرفتن پیسه خانه رفتیم و بعداً به یکی از دواخانه های بیرون مراجعه نمودم، نسخه ای که در دواخانه لقمان حکیم ۱۸۵۰ افغانی قیمت گذاری شده بود به ۸۰۰ افغانی گرفتم و دوا را به نزد داکتر بردم داکتر دوا را نیز تأیید نمود. مشخص شد که دوا از لحاظ کیفی هم تفاوتی نداشت. در حقیقت شفاخانه وکلینک های شخصی منبع دزدی و جنایت است. مریضی که اگر مصارفش ۲۰ هزار افغانی باشد حداقل شفاخانه های خصوصی صد هزار افغانی از وی اخذ می نمایند. این موضوع نه تنها در افغانستان بلکه در سطح منطقه همین روال را می پیماید.

به همین طریق بدلیل نبود وسایل تشخیصیه و ادویه کم کیفیت در داخل کشور مریضانی که یک اندازه وضعیت شان خراب باشد، علاوه بر اینکه بهبودی حاصل نمی کنند بلکه وضعیت شان بدتر گردیده لذا مریضداران با گرفتن قرض و یا هم با فروش زمین و مواشی شان مریضان شان را به خارج از کشور انتقال میدهند که در آنجا هم با صدها مشکل دست و پنجه نرم می کنند، گفته میشود که توده های افغانستانی به دلیل عدم دسترسی به لسان مجبور می شوند برای خود ترجمان استخدام کنند که در اکثر موارد این ترجمانان در تبانی با شفاخانه های مربوطه پول های هنگفتی از این مریض داران دریافت می کنند.

نبود خدمات صحتی معیاری یکی از هزاران مشکل مردم افغانستان به شمار می آید، و تمامی این مشکلات ریشه در یک نقطه دارد، موجودیت اشغالگران خارجی و حاکمیت رژیم دست نشانده.

سیزده سال پسین به خوبی نشان داد که نه نیروهای متجاوز غربی و نه هم دست نشانندگان داخلی شان هیچ اراده و تصمیمی برای بهبود کیفیت زندگی توده های افغانستان ندارند، بلکه برعکس تمام تلاش شان این است که چگونه بتوانند منابع موجود افغانستان را چپاول نمایند. صرفاً یک راه برای رهایی از چنین حالت ذلت بار موجود است، و آن طرد و اخراج قهری نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین. طرد و اخراج قهری نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده فقط با برپایی و پیشبرد همه جانبه مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشآهنگ طبقه کارگر امکان پذیر است.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی

سیر صعود مهاجرت از افغانستان

جاوید ۱۳۹۴/۳/۱۰

• افراط گرایی

عامل اصلی مهاجرت ها رژیم های ارتجاعی و در راس آن امپریالیست ها که به وسیله جنگ ها ی غارتگرانه (چه بگونه مستقیم و اشغالگری علنی و یا بصورت مداخلات غیر مستقیم) بر توده های ستمدیده تحمیل می نمایند، می باشند.

در شرایط فعلی، افغانستان بعد از سوریه، عراق و فلسطین در صدر کشورهایی قرار دارد که بیشترین مهاجر در کشور های منطقه و آنسوی ابحار دارد. قسمی که در فوق گفتیم بعد از اشغال کشور از سوی امپریالیستهای یانکی و متحدین متجاوز غربی شان یک بار دیگر سیل مهاجران افغانستانی به سراسر جهان به طور عام و به کشورهای همسایه به شکل خاص سرازیر شدند، در طول سال های اشغال، متجاوزین یانکی به طور وسیع و گسترده مناطق روستایی افغانستان را بمباران نمودند که در اثر آن قسمت زیادی از خانه ها، مزارع و باغ های دهاقین و روستائیان تخریب شدند، که این عمل جنایت کارانه متجاوزین اشغالگر باعث شد تا هزاران خانواده از روستاها به مراکز و حومه های شهرهای بزرگ و پایتخت هجوم بیاورند، نبود کار و ازدیاد قیمت مواد اولیه در شهرها باعث شد تا جوانان برای سیرکردن شکم اعضای فامیل شان به کشورهای منطقه و آنسوی ابحار مهاجر شوند.

زندگی مهاجرین زندگی است توام با مشکلات و قیودات فراوان که همه روزه با آن دست و پنجه نرم می کنند.

در سراسر جهان مهاجرین با مشکلات عدیده ای روبرو هستند. مهاجرین حتی در دموکرات ترین کشور سرمایه داری از حقوق مساوی با اتباع آن کشور برخوردار نیستند. مهاجرین کشورهای تحت سلطه بیشتر به این مشکل مواجه اند.

در هیچ یک از کشورهای جهان یک مهاجر از هیچ لحاظ (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) با اتباع آن کشور مساوی نیستند، و هر مهاجر در هر کشور بیگانه با مشکلات متعدد مواجه می باشد، مهاجران افغانستانی نیز از این امر مستثناء نیستند.

مهاجران افغانستانی در سراسر جهان به شکل عام و در کشورهای همسایه (ایران و پاکستان) به شکل خاص با مشکلات عدیده (از نبود شغل مناسب گرفته تا نبود امنیت جانی و مالی) مواجه هستند، در این کشورها مهاجران افغانستانی از ابتدایی ترین حقوق اولیه خود محروم هستند. در کشور ایران مهاجران افغانستانی به شکل فجیع شکنجه می شوند، در پهلوی آن پولیس و ارتش، سپاه پاسداران ایران، رسانه ها و سینما های ایران نیز به شکل سیستماتیک در مخدوش کردن چهره های افغانستانی ها نقش بسیار مخرب را بازی می کنند.

در سیزده سال پسین اشغال کشور، بنابر دلایل چون جنگ، فقر و بیکاری یک بار دیگر مانند سال های اشغال کشور توسط ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی، توده های ملیونی این کشور برای بدست آوردن لقمه نان و فرار از مرگ حتمی (مرگی که هر روز از سوی نظامیان اشغالگر غربی و اجبران داخلی آن به مردم مظلوم ما هدیه می گردد). دل به دریا زدند و هر خطر احتمالی (غرق شدن در آبهای توفانی و یا هم کشته شدن به دست ماموران مرزی کشورهای بیگانه) را به جان خریدند و راهی کشورهای بیگانه شدند که این روند با روی کار آمدن رژیم دست نشانده، فاسد و منفور تحت رهبری دو عروسک اشغالگران آمریکایی افزایش چشم گیری یافته است، قبل از اینکه عوامل روند صعودی مهاجرت توده های افغانستانی به کشورهای خارجی را بررسی کنیم، لازم است تا اصطلاحات ذیل را تعریف کنیم.

۱. مهاجر:

مهاجر به کسی گفته میشود که از یک کشور به کشور دیگری به دلیل اینکه شرایط اقتصادی - سیاسی - اجتماعی برایش محدود و طبق دلخواه او نباشد، نقل مکان کند.

۲. مهاجرت: عبارت از جابجائی مردم از مکانی به مکانی برای کار و یا زندگی.

۳. پناهنده: شخصی است که به دلیل نژاد، مذهب، عضویت در یک جریان سیاسی و یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص در خارج از کشور متبوع خود به سر می برد و نمیخواهد زیر چتر کشور خود قرار بگیرد.

۴. آواره: به کسی گفته می شود به دلایل سیاسی، مذهبی، اجتماعی، عضویت در گروههای خاص، درگیری و جنگهای داخلی و بلایای طبیعی نظیر: قحطی، سیل، مخاصمات مسلحانه، زلزله، یا شیوع بیماری، کشور خود را ترک نموده باشد.

مهاجرت به دو نوع صورت می گیرد:

اول: داوطلبانه و دوم: اجباری

عواملی که سبب مهاجرت (داوطلبانه و اجباری) می گردد بدین قرار است:

- فقر و بیکاری
- جنگ
- مسایل مذهبی
- زورگویی
- تصفیه نژادی
- قتل عام
- تغییرات آب و هوایی

به همین ترتیب یک هفته قبل شش طفل همراه بامادرشان در شهر وان ترکیه به اثر سرما شدید جان خود را از دست دادند.

نتیجه گیری:

اشغالگران امپریالیست برای غارت و چپاول معادن و دسترسی به منابع سرشار گاز و نفت خاورمیانه و آسیای میانه، افغانستان و عراق را اشغال نموده و سعی می ورزند تا کشورهای ایران و سوریه را نیز اشغال نمایند. حضور اشغالگرانه امپریالیست ها در افغانستان سبب آوارگی میلیون ها نفر از کشور گردیده است.

تا زمانیکه اشغالگران در کشور حضور داشته ورژیم پوشالی بر اریکه قدرت تکیه زده باشد این مشکل پا بر جا خواهد ماند. یگانه راه حل مهاجران افغانستانی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی برای اخراج قهری اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین تحت رهبری پیشاهنگ طبغه کارگر می باشد. این مقاومت نه تنها در داخل کشور بلکه باید در خارج از کشور هم بوجود آید.

در این اواخر دولت آخندی ایران در پهلوی تحقیر و قتل عام افغانستانیها در مرزهای ایران و به دارآویختن مهاجران بیگناه افغانستانی در زندان های مخوف ایران یک تعداد از مهاجران افغانستانی را در بدل پول ناچیز به جنگ سوریه نیز می فرستد. مسبب اصلی این همه بدبختی ها اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی هستند.

از سوی دیگر مهاجران افغانستانی در کشور پاکستان نیز به انواع مشکلات دست و پنجه نرم می کنند، پولیس و ارتش این کشور مهاجرین افغانستانی را به بهانه های گوناگون (داشتن رابطه به استخبارات هند و تحریک طالبان پاکستان و ...) و ده ها بهانه دیگر دستگیری می کند و از آنها پول می گیرند، از سوی دیگر دولت پاکستان در تازه ترین اقدام جنایتکارانه خویش خانه های کمپ ذاخل را با استفاده از بولدوزرها تخریب نمود که علاوه بر خسارات مالی دوظفل معصوم نیز جان خود را از دست دادند.

سره هدیره

جاوید ۱۳۹۴/۳/۲۲

په ډیره بی شرمی سره وویل چی برید دطالبانو د یو لور پوری قومندان په جنازی باندی ترسره شوی دی چی پایله کی یوشمیر طالب قومندانان او جنگیالی وژل شوی دی، حال دا چی د وژل شویو طالبانو جنازه اکثره وخت د ملکی وگړو له لوری ترسره کیږی او تر ډیره بریده طالبان د امنیتي دلایلو له وجهی د خپلو ملگرو د جنازی مراسموته نه ورځي، خو په لاس پوځي پارلمان کی د خوست تش په نوم یوه استازی دا په ډاگه کړه چی جنازه د طالب قومندان نه بلکه د کوچیانو دیوه مشر وه، او وژل شوي اوپیان ټول ملکی وگړی دی.

سره له دی هم په ارگ کی د امریکایانو گوډاکی تر اوسه هم خپل د بادارانو په دغه بشری ضد اقدام باندی چه خوله پاتی شوی دی او په دی اړه تر دی دمه یوه خالی اعلامیه هم خپره کړی نده.

د اشرف غنی اوعبدالله په مشری گډ سهامی شرکت د امنیتي قرارداد(دهیواد دخرڅلا سند) په ترڅ کی امریکایی یرغلگر ځواک ته د افغانستان د بی گناه پرگنو د وژلو صلاحیت ورکړی دی، د دغه تور او له شرمه ډک قرار داد په بنسټ د افغانستان گوډاگی او بلواکه رژیم دهیڅ امریکایی پوځی د محکمی حق نلری.

له بلی خواه په تیرو دیارلس کلونو کی د هیواد هر کلی اوبانډه د امریکایی یرغلگر پوځ له خواه ښار شوی چی په ترڅ کی زمونږ په زرگونه هیوادوال په کی وژل شوی، چی دبیلگی په ډول دخو زړه بگنوکو پیښو یادونه په لنډه توگه کوو.

هری خواه ځوانان اوسپین ږیری د قبرونو تر څنگ او یا هم دشنو ونو ترسیوری لاندی ناست ول، کله چی د سخی داد اکا جسد خاوروته وسپارل شو، ټولو په یوه خوله هغه ته د مغفرت او کورنی ته د صبردعا وکړه او د کلی په لور روان شول، لا د غره له منی څخه ښکته شوي نه ول چی په آسمان کی یوه سپینه الوتکه را ښکاره شوه، یو ځوان وویل ورونو ځانونه گوښه کړی چی بی پیلوټه الوتکه مو په نښه نکړی.

یو سپین ږیری په لور آواز وویل د رحمان زویه لکه چی لیونی شوي یی له مونږ سره څه کار لری، په همدغی وخت کی د الوتکی کین لوری څخه سره رڼا ولیدل شوه او د سترگو په رپ سره دخلکو له منځ څخه یوه توره لوخره پورته شوه هری لوری ته ځوانان اوسپین ږیری په وینو کی لت پت پراته ول، د چا لاس نه وه او د چاسر او ټوله هدیره په وینو سره شوه .

هوکی گرانو هیواد والو!

دا خونړی او زړه بورنوکی برید د امریکایی یرغلگرو ځواکونو له خوا د خوست ولایت دعلیشیرو په ولسوالی کی د یوی جنازی په مراسم باندی ترسره شو چی په پایله کی څلوردیرش تنه ملکی وگړی ووژل شول او کابو شپيته تنه پکی مرگونی ټپیان شول.

په خوست ولایت کی دلاس پوځي رژیم، بی واکه چارواکو وویل چی وژل شوی کسان ټول د دولت وسلوال مخالفین دی، همدا رنگه په کابل کی د لاسپوځی رژیم ځینو ویاندویانو

سرطان ۱۳۹۴ (جولای ۲۰۱۵)

د افغانستان دبی گناه خلکوسره خورا بد سلوک شوی، په دغه زندانونو کی بندیان وهل شوی په سپینانو داړل شوی او جنسی تیری پری شوی).

خوتر اوسه لاس پوڅي رژيم د چي د حاکمیت بی شرمانه دعواه لری د یوی پینبی پوښتنه او سپیناوی هم ندی کړی، دا ځکه چي دا رژيم د پوښتنی توان نلری، ځکه چي نوکر او غلام دی او هیڅکله هم غلام له خپل بادر څخه د پوښتنی حق او حیثیت نلری.

گرانو هیواد والو!

که چیری زمونږ په گران هیواد افغانستان کی د آمریکا یرغلگر ځواک شتون ولری مونږ به تل د داسی غمیزو شاهدان وسو (په وار وار سره به د علیشر، سیاه گرد، آب جوش د شیندنډ، شاولی کوټ او سجاوند په څیر غمیزی به تکرارشی) ځکه چي د امپریالستی ځواکونو خاصیت د ولسونو وژل او زورول دی، ترڅو چي دوی شته مونږ به وژل کیږو. د دی ناوړین نه د خلاصون، یوازی لاره ملی پاڅون او مقاومت دی، مونږ باید د یرغلگر ځواک د شړلو او د لاس پوڅي رژيم د ړنگولو لپاره ملی، ولسی او انقلابی مقاومت پیل کړو.

۱ دهرات ولایت د شیندنډ په ولسوالی هوایی برید چي په ترڅ کی تر دری سوه زیات ولسی وگړی شهیدان شوی ول.

۲ دقندهار ولایت د شاولی کوټ په ولسوالی کی د جنازی په مراسمو مبارد.

۳ دننگرهار ولایت دهسکی مینه کی په سیمه کی د واده په مراسمو باندي هوایی برید چي دناوی په کډون پکی گڼ ولسی خلک وژل شوی ول.

۴ دلغمان ولایت دعلینگار په ولسوالی کی په هغه بنڅومبارد چي دلرگیو د راوړلو لپاره دکلی غره ته تللی وی.

۵ دلوگر ولایت دسجاوند په سیمه باندي دیرغلگر ځواک خونړی برید چي په ترڅ کی ترسلو زیات لوگریان وژل شوی ول.

د پورتنیو پینبو ترڅنگ د افغانستان په گوټ گوټ کی پر ولسی خلکو باندي د ښکیلاک گر پوځ له خوا پراخ هوایی او ځمکنی بریدونه شوی چي په هر برید کی زمونږ یوشمیر ولسی وگړی شهیدان شوی، له بلی خوا په بگرام، گوانتانامو او د آمریکا په نورویټو زندانونو کی په زرگونه افغانان د آمریکایی ځواکونو له خوا سخت شکنجه شوی (د آمریکایی ځواکونو په زندانو کی

مخدره توکي دانسانانو سترقاتل

جاوید ۱۳۹۴/۲/۲۵



تیره اونی دلاس پوڅي رژيم دصحت وزیر او د یانکی امپریالیزم یولوړ پوری دولتی مقام په کابل کی یوی مطبوعاتی ناسته کی وویل چي د افغانستان دری میلیونونه وگړی په مخدره توکو روږد دی، له بلی خوا دلاس پوڅي اداری مشراو د امریکا غلام، محمداشرف غنی، هم د کرواسیا د ولسمشری سره په یوه غونډه کی وویل چي د افغانستان ۱۱ سلنه خلک مخدره توکي کاروی.

په لمړی سرکی باید لاندی مفاهیم تعریف کړو:

۲. اعتیاد: اعتیاد په لغت کی عادت ته وایی او په اصطلاح کی یو مزمن یا شدید مسمومیت ته ویل کیږی چي یو شخص یا ټولنی ته تاوان ورسوی.

۳. معتاد: هغه شخص (کس) ته ویل کیږی چي دبیلایلو لارو (خورل، څکل، تزریق او استنشاق) څخه یو یاڅو ډوله مخدره توکي په دایمی شکل استعمال کړی.

۱. مخدره توکي: هر هغه کیمیاوی ماده چي د انسان د اعصابو په سیستم کی منفی تغیر راولی مخدره توکي بلل کیږی، یا په بل عبارت هر هغه ماده چي د انسان د عصبی نورمال سیستم گډوډ کړی مخدره توکي گنل کیږی.

د مخدره توکو ډولونه

مخدره مواد د فزیکي شکل او د مسمومیت د کچې له پلوه په لاندې ډولونو و باندې ویشل کېږي.

مایع مخدره توکی

الف. الکول یوه کیمیاوی ماده ده چې دوه ډولونه لري: میتایل الکول او ایتایل الکول، چې لمړی ډول د خکلو ورتیانلري. الکول په افغانستان کې د می، شراب، مشروب او دوا په نومونو پیژندل کېږي.

ویل کېږي چې الکول په لمړي ځل له میلاد نه دوه زره کاله دمخه د اوسني ایران د یو لرغوني غره په لمن کې تولید شوی وو. په تیرو پیړیو کې الکول یوه نایابه ماده گڼل کېدلله له همدې کبله یواځې شاهانو او اشرافو کورنیو ورته لاس رسی درلود. الکول دانگورو له تخمیرڅخه په لاس راځي.

ب. بنگاوه (بنگ آب): بنگاوه د شیدو، چهارمغز، بادام او دبنگو دانو له ترکیب څخه په لاس راځي. په پخواني چینایي او یوناني طب کې بنگاوه د زکام او سینه بغل درملنی لپاره کاریده او یوناني طبیبانو له بنگاوه څخه د درمل په توگه گټه اخیستله، خو کله چې دنوموړي درمل سره خام چرس یوځای شول د مخدره موادو بڼه یې واخیستله.

جامد مخدره توکي

الف. چرس: چرس په لمړي ځل له میلاد څخه څلور زره کاله وړاندې د اورال غرونو په لمن کې کرل شوی دی. چرس د نړۍ په گوټ گوټ کې د انسانو لخوا استعمالېږي او کابو ۲۷ ډوله او نومونه لري.

ب. ترياک: دکوکنارد بوټي له شیدو څخه په لاس راځي. تاریخ پوهان د ترياکو په اړه د نظراختلاف لري. ځیني تاریخ پوهان په دې اند دي چې ترياک په لمړي ځل په چین کې کرل شوی دی، خو ځیني نوربیا دنیل د سیند غاړه هغه سیمه بښي چې په لمړي ځل په کې ترياک کرل شوی دی. په پخواني یوناني طب کې ترياک د درمل په توگه کاریدل، خو کله چې اروپایي یرغلگرو (انگلیسانو) چین اشغال کړ، ترياک چې په چین کې له پخوا راهیسې په کمه پیمانه د درملو لپاره کرل کیدل، انگلیسانو دغه ماده په پراخه پیمانه په چین کې وکرله او له دغې مادي څخه د مخدره توکو په شکل استفاده وکړه، او گڼ چینایان یې هم په دغه مخدره توکو روږدي کړل. انگلیسي ښگیلاک گرو له دغه کارڅخه دوه موخي درلودلې. لمړی

اقتصادي گټه او دویم د چینایانو په معتادولو سره سیاسي گټه، خو چینایي پرگنو هیڅ کله هم د دغه کرغیرني پروژي په وړاندې چپه خوله پاتي نشول بلکه له انگلیسي یرغلگرو سره یې څوځلي خونړي جگړې وکړې چې په تاریخ کې دترياکو دجنگونو په نامه یادېږي.

ج. هیروئین: د یوې مشخصې کیمیاوي پروسې څخه وروسته له ترياکو څخه هیروئین چې عام خلک یې پوډرهم گڼي په لاس راځي چې د نشي او مسمومیت قدرت یې له ترياکو څخه څو ځلي لوړ دی. هیروئین سپین رنگ او ترخه مزه (ذایقه) لري اوځانگړي بوی نلري.

د. کرسنال: کرسنال له هیروئینوڅخه په لاس راځي. د مسمومیت اونیشي له پلوه له هیروئینو څخه لس برابره قوی دی. دکرسنال ترڅنګ، اوس کراک، شیشه، تابلیت (k) او کوکائین هم د مخدره توکو په کورني که شامل شوی دی چې کوکائین د صحتي تاوان ترڅنګ د جنسي سادیسیم لامل هم گرځي.

د اعتیاد لاملونه

- مخدره توکو ته په اسانه ډول لاس رسی
- فقر (بی وزلي)
- بیکاري (وزگارتيا)
- معتاده ملگري او دوستان
- کډوالی
- د سالمې تفریحې ځایونو نشتون
- جغرافیوي عوامل
- کاذب لذت

دپورتنيو لاملونو ترڅنګ د یرغلگرو پوځونو شتون هم د اعتیاد یوسترامل گڼل کېږي، ځکه چې یانکي ښیکلاک گرو او هغوی پوری تړلی مافیایي کړی غواړي چې د افغانستان پرگني په مخدره توکو روږدي کړي ترڅو دوی د خپلي نشي نه پرته د بل هیڅ شي په باره کې فکر ونکړي.

د مخدره توکو د پلورلو ځایونه

که څه هم د افغانستان په هر ولایت او سیمه کې مخدره توکی په ښکاره ډول سره پلورل کېږي، خو بیا هم د بیلگي

په بڼه د کابل په ښارکي د مخدره توکو د پلورلو خو
ځایونه یادوو.

په کابل ولایت کی د الکولو
دخرڅلاو ځایونه

- دهمزنگ
- تایمنی څلورلاری دبینظیرهوټل لاندی
- کارته سه
- کارته چهار
- دریم مکرویان
- دشت برچی
- پل چرخي

د مخدره توکو اضرار (زیانونه)

۱. صحتی ضرر:

- د بدن دفاعی سیستم کم زوری.
- د عصبی سیستم گډوډی.
- دوینی د کلسترول لوړیدل.
- د قلب د ضربان لوړیدل.
- د معدی، سترگو او د مخ پوستکی لپاره هم
مخدره توکی ناوړه اثر لری.

۲. اقتصادی زیان:

دمخدره توکو دلوری بیه ته په کتلو سره دا ویلی شو چی
یومعتاد باید د خپل ورځنی عاید یوه برخه د مخدره توکو
د پیروډلو لپاره ولگوی، چی دغه کار په لمړی سرکی د معتاد
کورنی او په دویم قدم کی ټولنه له بیلابیلو ستونزو سره مخ
کوی.

۳. ټولنیز زیان:

مخدره مواد د صحتی او اقتصادی زیان ترڅنک ټولنیز زیان هم
لری، مخدره توکی د کورنیو ښیرازه او یووالی له منځه وړی او
اکثرآ د ښځی او میړه ترمنځ د طلاق لامل گرځی. معتاد شخص
ورځ په ورځ د انزوا په لور درومی، اولادونه یی گدایی کوی
اوشځه یی دځان اوماشومانو دخیتی دمورولو دپاره که کوم

● دکارته سخی ټپه، د سرسبزی څلور لاری
او سرای شمالی د چرسو د پلورلو عمدہ
مرکزونه گنل کیږی. په کابل کی سل
گرامه چرس له ۵۰۰ نه تر زرو افغانی
پوری بیه لری. البته کابل ته چرس له
شمالی ولایتونو لکه (بدخشان، تخار،
پنجشیر او کاپیسا) څخه راځی.

● تریاک: په ټول کابل کی پیدا کیږی، خو
سرای شمالی او د آریا ښارگوټکی څنډی
عمده مرکزونه دی. یو گرام تریاک له
۴۰ نه تر ۱۰۰ افغانیو پوری قیمت لری.

● هیروئین: د ښار په بیلابیلو برخوکی
پلورل کیږی، خو د پل خشتی په مسجد
او دپل سوخته په څلور لاری کی پریمانه
پیدا کیږی او یو گرام یی له ۶۰۰ څخه
تر ۱۰۰۰ افغانیو پوری بیه لری.

● الکول: د کابل په ښار کی دري ډوله
الکول پیداکیږی، لمړی بهرنی الکول،
دویم کورنی الکول اودریم په بهرنی
مارک (نښان) کورنی الکول. بهرنی
الکول تر ډیره بریده له تاجکستان (
گندمی)، روسی (ودکا) او انگلستان (
ریت لیبل) څخه د غیرالکولی انرژیکانو
تر پوښښ لاندی هیواد ته راوړل کیږی؛
دبیلگی په ډول ریت لیبل الکول د گرین
گیت شرکت له خوا د بیگ بیرترپوښښ
لاندی واردیږی.

کورنی الکول د اسماعلیه مذهبی اقلیت
لخوا په کورونو کی جوړیږی او په
بهرنی نښان کورنی الکول د مارشال
فهیم دورور له خوا د خیرخانی په
سیمه کی تولیدیږی. یو بوتل الکول د
کابل په ښارکی له ۵۰۰ افغانیو څخه تر
۱۶۰۰۰ افغانیو پوری بیه لری.

مشروع لاره پیدا ونکړی مجبوره ده چی دفحشا بی لاری ته مخ کړی.

افغانستان کی څلورسوه اتیا ټنه مخدره توکي تولیدیدل حال دا چی اوس دغه شمیره پنځه زره ټنه ته لوړه شوی ده.

د علاج لاری

که څه هم لاس پوڅی رژیم او یرغلگرو ځواکونو په نمایشی ډول د مخدره توکو پر ضد د مبارزی لپاره یو وزارت او یو مستقل معینیت جوړ کړی دی خو د رژیم لوړپوړی چارواکی د مخدره توکوپه قاچاق کی لاس لری چی د یو څو تنو نومونه اخلو:

• د دریم شاه شجاع ورونه

• قسیم فهیم

• عطا محمد نور

• حاجی عبدالظاهرقدیر

• حمیدزی لالی

• میرامان الله گذر

• گل آغاشیرزی

• حاجی نبی (د کریم خلیلی ورور)

په اوسنی شرایطو کی چی مخدره توکي ورځ په ورځ زموږ ټولنه د یو نوی ناورین په لوریایی دا د افغانستان د ټولو انقلابی ځواکونو او په تیره بیا د افغانستان د ځوانانو انقلابی غورځنگ تاریخی دنده ده چی د مخدره توکو د زیانونو په اړه د افغانستان پرگنو او په تیره بیا ځوانانو ته پوهاوی ورکړی، ترڅو دوی د دغه ناوړی پدیدې څخه ځان او خپله ټولنه وژغوری، ځکه چی یو معتاد شخص هیڅ کله هم د خپلی ټولنی او د خپل هیواد د آزادی او استقلال لپاره کار نشی کولی، د مخدره توکو سره مبارزه په حقیقت کی له یرغلگرو ځواکونو او لاس پوڅی اداری سره مبارزه ده، ځکه چی د دغه منفوری پدیدې اصلی لاملین همدغی دی. نو راځی چی خپل ځوانان د مخدره توکو له استعمال څخه راوگرځوو او د سالمو ځوانانو پرمټ او یوانقلابی قیادت لاندی خپل هیواد د آزادی تر پولو ورسوو.

• د معتاد خپله اراده.

• په معتاد باندی په تدریجی ډول د مخدره توکو قطع کول.

• له نورو معتادانو سره د اړیکی پریکول.

• په یو مجهزی روغتون کی بستری کیدل. (خو په تاسف سره چی په افغانستان کی اکثره روغتونونه هم د مخدره توکو د پیراوپلورل په مرکزونو بدل شوی دی.)

• ورزش

• ښه خوراک

• مناسبه دنده

پیلامه

دملل متحد د راپورله مخی دری میلیونه افغانان په مخدره توکو روږد دی، او کابو دری میلیونه افغانان د مخدره توکو په کرکیله او قاچاق کی مصروف دی د همدغه راپور په اساس د افغانستان د مخدره موادو بیه په نړیوالوبازارونو کی نږدی اتیا میلیارده ډالر اټکل شوی ده چی یوازی یواغشاریه دوه ملیارده ډالره افغانانو ته رسیږیږ له بلی خوا د ملل متحد سازمان وایی چی وسله وال طالبان هم هرکال کابو څلور سوه میلیونه ډالر د مخدره توکو د قاچاق له لاری په لاس راوړی که څه هم د طالبانو ویاند (ذبیح الله مجاهد) د ملل متحد دغه راپور رد کړی او زیاته کړی چی: «د افغانستان لاس پوڅی اداره او یرغلگر ځواکونه د مخدره موادو په قاچاق کی لاس لری نه د دوی ملگری.»

دیانکی امپریالیزم په مشری غربی ښکیلاکگرو تل د افغانستان د ښکیلاک یو دلیل دا ښودلی چی گواکی دوی په افغانستان کی د مخدره توکو د لمنځه وړلو لپاره راغلی دی، حال دا چی د طالبانو د حاکمیت په مهال په

د بکواه ناورین

جاوید ۱۳۹۴/۲/۱۸



د تیری چهارشنبه په ورځ لاس پوځی اردو د فراه ولایت د بکواه له ولسوالی څخه په ملکی سیمه باندی یو توغندی وتوغوه، چی یاد توغندی دهستوگنی په یو کور ولگید چی په پایله کی د یو ماشوم او ښځی په گډون دری تنه ووژل شول.

دا په داسی حال کی ده چی د تیری یو میاشت په اوږدو کی د افغانستان د پوځی رژیم مزدوری اردو دغزنی ولایت په قلعه قاضی او ده یک سیمو کی او د کاپیسا ولایت د تکاب ولسوالی د سپین زی کلی دتوغندیو او هاوانونو ښه گرځولی چی په پایله کی زموږ گڼ شمیر بی گناه ولسی وگری وژل شوی دی.

له بلی خوا دامریکا په مشری غربی ښکیلاک گرو ځواکونو هم په تیره یوه میاشت کی په خپلو وحشیانه هوایی بریدونو کی د (کنړ اوننگرهار) په ولایتونه کی زموږ یوشمیر بی وزلی پرگنی په شهادت رسولی دی چی ترټولو تازه بیلگه دبگرام په ولسوالی کی دیو بی گناه هتی وال شهادت دی چی دپنجشنبه په ورځ د یانگی پوځ له خوا په شهادت ورسید.

دښکیلاک په تیرو دبارلس کلونه کی، امپریالیستی یرغلگریوځ او د هغوی په لاس روزل شوی لاس پوځی پوځ زموږ په زرگونه هیواد وال په شهادت رسولی دی چی د بیلگی په بڼه له یو څوڅوڅو پېښو یادونه کوو.

• دهرات ولایت دښیندڼد ولسوالی د زیرکوه پر کلی باندی هوایی برید چی په پایله کی زموږ دوه سوه ولسی وگری په شهادت ورسیدل او په لسگونو کورونه ړنگ شول.

• دارزگان ولایت د دهراد پر ولسوالی باندی هوایی بمبارد.

• دلغمان ولایت دعلینگار ولسوالی باندی خونړی هوایی برید چی په ترڅ کی زموږ ترسلو ډیری ښځی اوماشومان ووژلی شولی.

• دفراه ولایت دبالبلوک پر ولسوالی باندی هوایی برید.

• دقندهار ولایت دشاوی کوټ په ولسوالی کی دواده پر مراسمو باندی هوایی برید.

• دپروان ولایت دسپاه گرد په ولسوالی کی دمکتب پر زده کونکو هوایی برید.

• دنگرهار ولایت دهسکی مینه په ولسوالی کی دواده پر مراسمو باندی هوایی حمله.

- دکنړ ولایت دغازی آباد پر ولسوالی باندی خونړی هوایی برید.
- دلوگروولایت دبرکی برک پر ولسوالی باندی هوایی برید.

همدا راز په تیرو کال کی لاس پوځی اردو په لاندی ولایتونو کی زموږ بی گناه ولسی وگری وژلی دی.

- دهلمند ولایت دسنگین په ولسوالی کی د محمد اکا دزوی د واده په مراسمو باندی دهاوان خونړی برید چی په ترڅ کی دناوی په گډون څلوېښت ملکی وگری ووژل شول.
- دهلمند ولایت دنوزاد پر ولسوالی باندی دتوغندی برید چی په پایله کی لس ملکی وگری ووژل شول.
- دغزنی ولایت د ده یک او قلعه قاضی پر سیمو باندی دهاوان برید.
- دکاپیسا ولایت دتکاب پر ولسوالی باندی دتوغندی برید.

گرانوهیوادوالو!

دپورتونوڅوڅو پېښوعاملین نه یوازی چی چا محکمه کړی ندی بلکه دافغانستان دورانولو او دافغانستان دمظلومو پرگنو دوژلو په بدل کی هغوی ته نظامی رتبی او افتخاری مدالونه هم ورکړل شوی دی. دافغانستان داوسنی ناورین یواځنی دحل لاره دیوملی انقلابی ولسی مقاومت ترقیادت لاندی داشغال پای ته رسول او دلاس پوځی رژیم ړنگول دی اوبس.

گرامی باد روز جهانی کارگر

ای چکش کوب سر بی هنر بدگهران

کارگر ای تپش موج خروشان زمان

جان من فرش رخت باد و درودم به تو باد

شعله آتش خشمیم که دشمن سوزیم

سر به دروازه دشمن نگزاریم به عجز

شرر آتش فردا است که می افروزیم

شفق سرخ قیامیم به پایمردی خود

توده های زحمتکش با اشغالگران و فیودال - کمپرادور ها را هر چه بیشتر تشدید می نماید. این شرایط عینی و ذهنی ناشی از تشدید تضادها در افغانستان فرصت های عظیم و چالش های بزرگی بر سر راه مبارزه برای برپائی مقاومت ملی مردمی و انقلابی به مثابه شکل مشخص مقاومت ضد اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی در افغانستان را بوجود میآورد. هر گاه نیروهای انقلابی از این فرصت ها نتوانند استفاده اعظمی بنمایند دقیقاً که چالش ها به خطرات بالفعل تبدیل خواهند شد. رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه حکم می نماید که هر چه وسیعتر و جدی تر گام های متین و استوار بردارند و از این شرایط استفاده نموده به سمت و سو دادن این نیروی بالفعل و بالقوه در جهت مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی کوشا باشند.

روز جهانی کارگر بر کارگران ستمدیده کشور و

سایر کشورهای جهان مبارک باد!

به پیش در راه متشکل نمودن طبقه کارگر به

منظور شگوفائی هر چه بیشتر

مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران

امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۱۱ ثور ۱۳۹۴ خورشیدی مطابق اول می ۲۰۱۵

روز اول ماه می مطابق ۱۱ ثور، اعلام موضع طبقاتی طبقه کارگر علیه نظام فرتوت سرمایه داری است. در این روز کارگران با صدای بلند اعلام میدارند که آزادی طبقه کارگر فقط از طریق سرنگونی بورژوازی امکان پذیر است. در این روز تاریخی اندیشه و عمل طبقه کارگر بنمایش گذاشته شد. این روز ثابت ساخت که هر گاه طبقه کارگر آگاهی سیاسی کسب نماید و متشکل شود هیچ نیروی نمی تواند در مقابلش ایستادگی نماید.

اول ماه می روز جهانی کارگر روز همبستگی کارگران است و امسال ما این روز را در حالی برگزار می نمایم که وضعیت کارگران نسبت به سالهای گذشته وخیم تر گردیده و فقر و بیکاری بطور وسیعی گسترش یافته است.

وضعیت کنونی بیانگر آنست که سطح زندگی توده ها بطور عام و زحمتکشان بطور خاص پیوسته در حال سقوط است. در بیدری و بیکاری دامنگیر عموم مردم گردیده، عدم اشتغال باعث سرازیر شدن نیروی کار از افغانستان به کشورهای همسایه و بخصوص ایران گردیده است. کارگرانی که در داخل کشور بتوانند کاری پیدا کنند مزد پرداختی شان نسبت به چند سال گذشته کمتر است در حالیکه تورم نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته است. این وضعیت اسفناک نه تنها کارگران و سایر زحمتکشان را خانه خراب و آواره گردانیده بلکه اقشار خرده بورژوازی (تولید کنندگان کوچک کالا) را نیز هر روز بیشتر از پیش به صف پرولتاریا پرتاب نموده و مینماید، و اکثریت پیشه وران کشور در مقابل با کالاهای وارداتی خارجی شغل شان را از دست داده اند و پیشه وری در حال سقوط و نابودی است، و مامورین پائین رتبه دولتی، به شمول معلمین به آنچنان حالت زاری افتاده اند که به گفته یک معلم رنج دیده به گداها میمانند. طبیعی است که امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی بنا به ماهیت استثمارگرانه و ارتجاعی نظام شان نه میخواهند و نه میتوانند این همه معضلات را حل و فصل نمایند. بناء تضاد

جاده خونین

۱۳۹۴/۱/۷

بیست و هشت حوت سال ۱۳۹۳ روزی بود که حافظه تاریخ آن را تازمانهای دور به یاد خواهد داشت. در پایان همین روز بود که آفتاب زندگی فرخنده غروب کرد. وی با شهادت خویش آخرین حادثه خونبار سال ۱۳۹۳ را رقم زد.

آری همین روز بود که فرخنده به فتوای ملا زین الدین تعویذ نویسی تاریک اندیش زیارت شاه دو شمشیره به جرم ناکرده و به اثر اتهام واهی سوزاندن قرآن در ملاء عام توسط تنی چند از اوباشان در تبنانی با پولیس مزدور رژیم دست نشانده نخست سنگ بارانش کردند، بعداً موتر را از روی بدن بی جانیش عبور دادند، و در نهایت جسد برهنه و تکه پاره اش را به آتش کشیده شد.

در ابتدا از مسئولین امنیتی رژیم پوشالی گرفته تا مقامات رسمی وزارت نام نهاد اطلاعات و فرهنگ و از ملاحی درباری گرفته الی سناتوران بدنام پارلمان مزدور از این حرکت وحشیانه ارازیل و اوباشان حمایت کردند، از میان مزدوران فوق ملا درباری و خطیب حکومت دست نشانده در مسجد وزیراکبرخان از این هم پا فراتر نهاد و با کشیدن عربده های گوش خراش قاتلین فرخنده را مدافعان مقدسات خواند و خواهان رهایی فوری آنها شد.

در این میان پولیس چاکرمنش و در راس آن سرباند وزارت داخله رژیم دست نشانده نه تنها برای نجات فرخنده کاری انجام نداد، بلکه با اقدام رزیلانه خویش خانواده داغدار فرخنده را مجبور ساخت تا این خانواده سوگمند، دل بند شهید شان را یک بیمار روانی معرفی کنند. بعد از روشن شدن قضیه و اعلام بی گناهی فرخنده اعتراضات علیه این عمل وحشیانه بوجود آمد. اما متأسفانه این اعتراضات نه تنها نتوانست چهره مسبین اصلی این عمل وحشیانه را به مردم فاش سازد، بلکه معترضین خواهان عدالت از مسبین اصلی قضیه شدند. مسبین اصلی این عمل جنایتکارانه و سایر اعمال وحشیانه در افغانستان اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی هستند. هیچگاه این اعتراضات سمت و سو علیه اشغالگران و رژیم پوشالی پیدا ننمود. علت این امر این بود که هر فرصت طلب از «فعالین جامعه مدنی» گرفته تا دلالان پارلمانی و از سازمان های ارتجاعی گرفته تا احزاب راجستر شده، سمت و سوی مبارزاتی این اعتراضات را متوجه بنیادگرایی نموده بودند، در حالیکه بنیاد گراهای درون رژیم پوشالی بخشی از رژیم دست نشانده را تشکیل می دهند.

قتل فرخنده یک عمل کاملاً وحشیانه و غیر انسانی محسوب می شود. بر علاوه باید گفت که در زیر چتر اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده جنایات بیشماری در مورد زنان اتفاق افتاده است. زنان به شکل وحشیانه مورد تجاوزات گروهی و غیر گروهی قرار گرفته اند، بسا مواقع بعد از تجاوز آتش زده شده اند، مثله گردیده اند و بعد به شکل فجیعی به قتل رسیده اند و انگشتان دست



و پای شان با تبر قطع گردیده است، اما صدای اعتراض و تظاهراتی از دلالان پارلمانی و سناتوران میهن فروش و دستیاران رژیم مزدور (جامعه مدنی، احزاب، سازمان ها و نهادهای راجستر شده) به چشم نخورد. حالا که رژیم دست نشانده در آستانه انتخابات پارلمانی قرار دارد فرصت مناسبی برای مرتجعین بدست آمده تا از آب گل آلود ماهی بگیرند تا در انتخابات پیش رو بتوانند مردم را فریفته و به پای صندوق انتخابات بکشانند.

حزب راجستر شده همبستگی نیز در این اعتراضات نقش داشت. برای این حزب مبارزه علیه بنیاد گرایی عمده است نه اشغال کشور. این حزب فکر می کند که با شرکت در این اعتراضات و موضعگیری محکم علیه بنیاد گرایی می تواند نقش بنیاد گرایی را تضعیف نماید، در حالیکه قضیه برعکس شد. بنیادگرایان درون رژیم موضع شان را مستحکم تر نمودند. وکلای پارلمان رژیم دست نشانده وزیر حج و اوقاف را به پارلمان احضار نمودند تا خطوط کاری خویش را روشن سازد. وزیر حج و اوقاف وعده سپرد که در وزارت خویش شعبه ای بنام ارشاد اسلامی بوجود آورد، برای ملایان و تعویذ نویسان مجوز رسمی صادر نماید تا منبهد هیچ کس حق اعتراض نداشته باشد و در ضمن وعده سپرد که دست گذاری بسوی کشورهای عربی خلیج دراز نماید. یقیناً برای این کار بودجه ای از این کشورها بدست می آورد و برای اکثریت ملایان مساجد حقوقی پرداخت خواهد نمود.

بنیادگرایان که ابتدا موضعی دفاعی داشتند اکنون با سلاح تکفیر حالت تهاجمی گرفته و جامعه مدنی همچو پشه ای در اطراف شان ویز - ویز می نماید. شاید بسیاری خوانندگان میز گرد باقی سمندر را با یک ملا دیده باشند.

حزب همبستگی این نکته را فراموش نموده که اولاً بنیادگرایان بخشی از رژیم دست نشانده را تشکیل می دهند و ثانیاً امپریالیزم مشروط به تامین منافعش حامی بنیادگرایی است، یا بعبارت دیگر امپریالیزم امریکا با مهار نمودن کامل موج بنیادگرایی همسویی ندارد. چنانچه رشد بنیاد گرایی در خاورمیانه بیانگر این مدعا است. طرح این مطلب به این معنی نیست که نباید عمل وحشیانه قتل

که صدها قاتل و متجاوز را با گرفتن پول و یا اشاره بداران خارجی و سفارش مقامات مفسد رژیم دست نشانده رها ساختند. از این رو تجمع کردن در مقابل «دادگاه عالی» رژیم پوشالی و گدایی عدالت برای فرخنده شهید از سوی این نهاد ضد مردمی و فاسد جز عوام فریبی کار دیگری نخواهد بود.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان قتل وحشیانه فرخنده را به شدید ترین الفاظ تقبیح می کند و خود را در این تراژیدی غمبار شریک می داند. این جنبش در طول سالیان متمادی با نشر و پخش هزاران اعلامیه و نگارش صدها مقاله و گزارش، همیشه جنایات وحشیانه نیروهای اشغالگر و رژیم دست نشانده در قبال توده های کشور را افشا نموده است. ما هم اکنون نیز به توده های رنج کشیده اما آزادیخواه افغانستان می گوئیم که قتل فجیع فرخنده نه اولین مورد است و نه هم آخرین مورد خواهد بود. در طول سیزده سال پسین نیروهای ددمنش یانکی و نیروهای مزدور امنیتی (پولیس، اردو و حربکی) رژیم دست نشانده، بارها زنان و دختران این مرزو بوم را مورد تجاوز قرارداده اند و تا این دم هیچ کدام این نیروها به محکمه کشانیده نشده و در آینده هم مورد بازپرس قرار نخواهند گرفت. در قضیه فرخنده ممکن رژیم دست نشانده عده ای را به محاکمه بکشاند، اما این افراد کسانی خواهند بود که هیچ پشتیبانه ای نداشته باشند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان یگانه راه حل بحران کنونی افغانستان را پایان دادن به اشغال کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده و برپایی نظام آزاد و دموکراتیک نوین می داند و تحقق بخشیدن به این امر، بدون برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی غیر ممکن است.

به پیش به سوی برپایی و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی!

مرگ بر اشغالگران و رژیم دست نشانده!

فرخنده را تقبیح نمود و یا در اعتراضات شرکت نکرد. باید با خط درست و اصولی به چنین اعتراضاتی شرکت نمود و حرف خود را بیان نمود و لبه تیز اعتراضات را متوجه مسببین اصلی قضیه نمود تا مردم درک نمایند که مسببین اصلی این اعمال جنایتکارانه چه کسانی هستند؟

طوری که گفتیم عده ای از میهن فروشان در این اعتراضات اشک تمساح به خاطر فریب دادن مردم ریختند تا بتوانند از این نمد برای خود کلاهی جور نمایند و در انتخابات پیش رو مردم را به پای صندوق های رای بکشاند. بگونه نمونه سخنان انارکلی هنریار (سناتور انتصابی) در مجلس سنای رژیم مزدور را در این جا نقل می کنیم.

وی در حالیکه اشک تمساح می ریخت خطاب به مقامات مزدور رژیم دست نشانده چنین گفت: «مسئولین! ما از شما عدالت می خواهیم!» حالا برای یک لحظه درباره جمله فریبنده فوق فکر کنیم. انارکلی هنریار با این حرف خود جز فریب و خاک پاشیدن در چشم توده های افغانستان کار دیگر انجام نداد، زیرا همه مردم افغانستان و حتا خود وی می داند که این نیروها نه تنها تامین کننده عدالت نیستند، بلکه عاملین و مسببین اصلی این حادثه خونین هستند. در سیزده سال گذشته هزاران زن و دختر این مرزو بوم از سوی نیروهای تاریک اندیش، ارتجاعی و ضد انقلابی در تباری با پولیس، ارتش و حربکی های مزدور به قتل رسیدند، مورد تجاوز قرار گرفتند و زنده در آتش سوختانده شدند. در بسیار مواقع همین نیروهای چاکرمنش مستقیماً در همچو حوادث دخیل بودند. بناءً از چنین نیروهای ددمنش و دون صفت عدالت خواستن جفا به عدالت خواهد بود.

از سوی دیگر در طول ۱۳ سال اشغال کشور توده ها، قضا و خانونالی رژیم دست نشانده را به عنوان دو نهاد بسیار بدنام و غرق در انواع فساد می شناسند. در طول سال های گذشته همین دو نهاد بودند

کانکور در بی درمان

جاوید ۱۳۹۳/۱۲/۲۹



واژه کانکور ریشه در زبان فرانسوی دارد که به معنی فتح و پیروزی است، و در حقیقت همان آزمون و شاه کلید است برای باز نمودن قفل دانشگاه های دولتی؛ برای اولین بار کانکور در افغانستان در سال ۱۳۲۸ هجری خورشیدی در پوهنتون «دارلفنون» کابل اخذ شد. آزمون کانکور در تاریخ ۶۵ ساله اش با فراز و فرودهای فراوانی رو به رو شده است؛ از تعلیق کوتاه مدت و معیار قرار گرفتن نمرات سه ساله دوره مکتب گرفته تا سهمیه بندی کانکور به اساس باورهای فکری و ایدئولوژیک «در زمان حاکمیت باند مزدور خلق» در این مقطع تاریخی هر که عضویت این دسته بدنام و نوکرمنش را میداشت به رشته دلخواه اش راه مییافت.

اما تراژیدی غم بار این آزمون در زمان حاکمیت تنظیم های

جهادی رخ داد در این برهه تاریخی که هر ولایت در فرمان‌روایی مطلق یکی از این گروه‌ها قرار داشت و به اساس میل خود این آزمون را برگزار می‌نمود، و کسانی به دانشگاه‌های نیمه‌ویران راه می‌افتند که با این باندهای تبهکار همسوئی می‌داشتند به گونه نمونه در ولایت مزار کسانی از این آزمون موفق بدر می‌آمدند که از اعضا یا اطرافیان تنظیم جنبش ملی می‌بودند.

با اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ توسط امپریالیست‌های غربی به رهبری امپریالیزم امریکا معضل کانکور ابعاد گسترده به خود گرفت، در طی سیزده سال گذشته تقلب فراوان در این آزمون صورت گرفت در ولایات فرماندهان نظامی ارتش مزدور و مقامات ملکی رژیم دست‌نشانده به شکل گسترده در کانکور به نفع خودشان دست برد زدند همچنان در داخل وزارت نام نهاد تحصیلات عالی رژیم پوشا لی عناصر مفسد این وزارت (وزیر، معینان و رئیس کمیته کانکور) افراد مد نظرشان را به دانشکده‌های دلخواه شان شامل ساختند.

بنابر گفته مقامات وزارت نام نهاد تحصیلات عالی رژیم مزدور ۳۶۰۰۰ هزار تن برای اشتراک کانکور در سال ۱۳۹۳ نام نویسی نموده بودند، که از این جمله ۳۱۱۰۰۰ تن در این آزمون شرکت نمودند که از این جمله ۵۴ هزار تن به موسسات تحصیلات عالی و در حدود ۶۰ هزار تن به تحصیلات نیمه عالی (اگر خواننده‌های عزیز دقت بفرمایند وزارت تحصیلات عالی در سال‌های گذشته در پشت تحصیلات نیمه عالی پنهان شده است و هر ساله تعداد جذب شدگان در موسسات تحصیلات نیمه عالی از موسسات تحصیلات عالی بیشتر می‌باشد) بنا بگفته وزارت تحصیلات عالی در حدود ۲۷ هزار تن به یک تخفیف ویژه به موسسات تحصیلات عالی خصوصی راه یافتند. اعلان این مطلب یک حيله و نیرنگی است که وزارت تحصیلات عالی بکار برده است. زمانیکه من برای این تخفیف ویژه به یکی از این پوهنخ‌ها رفتم، چون مسئولش با من آشنا بود به صراحت گفت که: «این اعلان فقط شیره مالیدن سر مردم است. هر یک از پوهنخ‌ها خود تخفیفی برای محصلین جدید الشمول در نظر گرفته است، این تخفیف اصلاً مربوط وزارت تحصیلات عالی نمی‌شود» او حرف‌هایش را چنین ادامه داد: «من عضو بورد کانکور بودم، در بورد پیشنهاد نمودم که بهترین شیوه برای جذب محصلین این است که از طریق کانکور به هر انستیتوت ۲۰۰ نفر و هر پوهنخ‌ی ۴۰۰ نفر معرفی شود تا بطور رایگان ادامه تحصیل بدهند. یک پروفیسور در جوابم گفت: استاد شما جوان هستید و تجربه ندارید، این پیشنهادتان عملی نمی‌شود. پرسیدم چرا؟ در جواب گفت تمام این‌هائیکه در بورد حضور دارند رئیس یکی از موسسات تحصیلات عالی خصوصی اند و هیچگاه حاضر نیستند که محصلین را بطور رایگان درس بدهند» در ادامه گفت: «تحصیلات عالی غالب مربوط داکتر عبدالله و اشرف غنی است، موسسه انستیتوت باران از خلیلی و محقق است. به همین ترتیب هر یک از موسسات عالی خصوصی مربوط به یکی از وزیر صاحبان است.» این است وضعیت محصلین در رژیم دست‌نشانده. هر قدر که کانکور ناکام بیشتر داشته باشد به همان اندازه منافع اراکین بلند پایه و موسسات شان بیشتر می‌گردد

و به همان اندازه داوطلب کانکور به مراکز آموزشی نظامی رژیم جذب می‌شوند. از آن جای که رقم فرار در نیروهای امنیتی رژیم پوشالی خیلی بالاست رژیم مزدور در پهلوی جلب و جذب از طریق اردوی ضد ملی، پولیس ضد ملی، امنیت ضد ملی و حربکی ضدملی و دست‌نشانده تعداد زیادی از جوانان را از طریق کانکور نیز جذب ارتش مزدور و نهاد مربوط به آن می‌کند. با وجود این که رژیم دست‌نشانده در کل و مقامات مزدورمنش و فاسد وزارت تحصیلات عالی به طور خاص ترفند‌های فریبنده جهت کامیاب جلوه دادن متقاضیان و کم ساختن تعداد بی نتیجه‌ها انجام دادند اما باز هم به گفته خودشان بیش از صد هزار متقاضی بی نتیجه مانده است. که این یک رقم درشت ناکامان را نشان می‌دهد، امسال هم مانند سال‌های گذشته کانکور با تقلبات گسترده رو به رو بود از دستبرد زورمندان محلی گرفته تا سفارشات مقامات عالی رژیم و از پرداخت هزاران دالر برای رشته‌های مختلف (طب معالجوی، انجینری، حقوق....) گرفته تا فروش کلیدهای کانکور که تمام این اعمال جز حق تلفی مستحقین چیز دیگری را به ارمغان نمی‌آورد، به اساس اطلاعات درز کرده از درون وزارت تحصیلات عالی امسال یک کارمند ریاست نشرات این وزارت (سلیم آمر مطبوعه) بالای یک داوطلب انان کانکور در دیپارتمنت ترکی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل تجاوز جنسی نموده است ماجرا از این قرار بود که: این کارمند مفسد و بی ضمیر به متقاضی مذکور گفته بود که وی جز هیئت کانکور است و می‌تواند وی را به رشته دلخواه اش کامیاب نماید، و به همین بهانه وی را به یکی از تشناب‌های دیپارتمنت ترکی دانشکده زبان و ادبیات برده و در آنجا بالای وی تجاوز نموده است. (ناگفته نماند که تشناب‌های دیپارتمنت ترکی دانشکده زبان و ادبیات بسیار مجلل می‌باشد و در نگاه اول مثل یک صنف یا اطاق کاری معلوم می‌شود) گفته می‌شود که ریاست جهنمی و بدنام و به اصطلاح امنیت ملی رژیم مزدور برای خاموش ساختن اعتراضات مردمی و خانواده این دختر، متجاوز را برای چند ساعت دستگیر نمود، اما به اساس گزارش همین منبع وی را به دستور یکی از مقامات بلند پایه رژیم دست‌نشانده بعد از چند ساعت رها نمود، البته این صرف یک نمونه از جنایات هولناک در یکی از ادارات رژیم دست‌نشانده می‌باشد که به بیرون درز کرده است، شاید هزاران قضیه مشابه در این اداره‌های منفور رخ داده باشد که توده‌های میلیونی افغانستان از آن آگاهی ندارد.

عوامل تاثیرگذار بر ناکام ماندن داوطلبان:

یک: نبود ظرفیت لازم برای جذب به علت پوهنتون‌های خصوصی.

دو: فساد گسترده در داخل وزارت مخصوصاً در کمیته کانکور.

سه: پائین بودن سطح علمی مکاتب.

اما بحران حقیقی و واقعی در پروسه کانکور سال آینده بروز خواهد نمود چون در سال‌های پسین رژیم مزدور از شاگردان دوره حاکمیت طالبان آزمون کانکور اخذ می‌کرد، قرار است در

نتیجه گیری:

رژیم دست نشانده در یک دهه گذشته تا یک اندازه کارهای اندک را در عرصه تحصیلات عالی انجام داده است مانند اعمار ساختمان بعضی پوهنتون ها و تغییر مواد درسی یک تعداد رشته های تحصیلی، اما کارهای اصلی که بهبود کیفیت درسی در دانشگاه ها و بالا بردن ظرفیت جذب داوطلبان کانکور است هنوز هم بر جای خودش باقی است. هنوز هم فساد پیرسالاری و نبود یک کریکولم معیاری در دانشگاه های دولتی بیداد می کند.

اگر رژیم دست نشانده میخواست، می توانست ظرفیت جذب متقاضیان را با فرستادن فارغ التحصیلان جدید به خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در مقاطع ماستری و دوکتورا و استفاده از آنها در دانشگاه های جدید التاسیس بالا ببرد، اما چون رژیم دست نشانده عمدا نمی خواهد که توده های این خطه باسواد شوند این از یک سو و از سوی دیگر حسب بازار آزاد، رژیم پوشالی بخاطر تامین منافع شخصی بیشتر تلاش می ورزد تا فارغان صنوف دوازدهم به پوهنتون های خصوصی جذب شوند. از تعدادی که توان ادامه تحصیل به پوهنتون های خصوصی را ندارند، رژیم دست نشانده، با استفاده از فقر و بیکاری شان تعدادی را در صفوف اردوی ضد ملی، پولیس ضد ملی و امنیت ضد ملی جلب و جذب می نماید و از آنها در جهت برآورده شدن اهداف شوم شان استفاده می کند، بنا یگانه راه حل این معضل و سایر معضلات همانا سرنگونی رژیم دست نشانده و اخراج نیروهای اشغالگر و ایجاد یک جامعه نوین است و بس.

سال ۱۳۹۴ به اساس برآورد و آمار وزارت نام نهاد معارف رژیم مزدور تعداد فارغان مکاتب سراسر افغانستان به یک میلیون تن افزایش پیدا کند، در پهلوی آن بیش از صد هزار بی نتیجه سال های گذشته نیز به شکل ذخیره وجود دارد، در خوشبینانه ترین حالت تعداد متقاضیان در سال ۱۳۹۴ به ۸۰۰۰۰۰ خواهد رسید، چون ممکن رقم باقی مانده به دلیل وجود فساد گسترده در وزارت تحصیلات عالی و فقر سرخورده شود و در این آزمون شرکت نکنند، رژیم دست نشانده توان جذب بیش از ۱۵۰ هزار تن را ندارد آن وقت در حدود ۶۰۰۰۰۰ تن جوان بی سرنوشت به خیل عظیم بیکاران دیگر یکجا خواهند شد، که این حادثه برای توده های افغانستان یک فاجعه است اما برای رژیم مردم ستیز و مزدورمنش یک نعمت. چون در آن وقت به شکل بهتر و ارزان تر میتواند از میان این بی سرنوشتان برای دستگاه های جاسوسی و ارتش مزدورشان سربازگیری کند. قسمی که گفتیم بحران اصلی کانکور سال آینده نمایان خواهد شد، چون سال آینده در حدود یک میلیون داوطلب به اضافه صد هزار ناکام سالهای گذشته در کانکور شرکت خواهد نمود. حالا فرض کنیم که در حدود سیصد هزار تن این داوطلبان در این آزمون بنا به هر دلیل شرکت نکردند، از جمله هشت صد هزار متقاضی، وزارت تحصیلات عالی چقدر آنها را جذب خواهد نمود؟ و صدها هزار جوان بی سرنوشت چی خواهند کرد؟ تاثیرات سوء این لشکر بی نتیجه بالای جامعه چی خواهد بود؟

تمامی اینها سوالاتی است که باید از سردمداران رژیم و خصوصا مسئولین درجه اول وزارت تحصیلات عالی پرسیده شود.

شعر ارسالی یک تن از خوانندگان پیکار جوانان که بمناسبت روز جهانی کارگر سروده شده است:

این زمین ی زیر پای شان کجاست	دشت و دامان وطن جولانگه ات	کارگر، روزی که تو رهبر شوی
گور شان اینجا شود ای کارگر	خون خفاشان شب بر درگه ات	ملت ات را تاج گل بر سر شوی
رزم تان پویا شود ای کارگر	هر کجا دیدی که کاری نارواست	اقتدار مردمان از نام توست
دست در دستان هم رزمان ما	مشت بر دندان مستکبر رواست	خلق را روزی اگر یاور شوی
تا که آزادی شود از آن ما	آتش اش زن، تا که آید آفتاب	مام میهن انتظار خیزش ات
یک وطن داریم و یک سر هدیه اش	روشن و تابان نماید انقلاب	چشم استبداد را خنجر شوی
پای و دست و جان و پیکر هدیه اش	انقلاب توده های پر خروش	تیر را شلیک کن بر قلب خصم
تحفه ی دیگر نداریم ای وطن	تا که دشمن را رباید عقل و هوش	وقتیکه چون شیر در سنگر شوی
غیر خون و سر نداریم ای وطن	بیر های کاغذیست این سفله ها	خیز از جا و نما عزم نبرد
سر فدا و هدیه ی آزادی ات	دشمنان زندگیست این نقله ها	تا شرار شعله و احگر شوی
خون فرزندان تو آبادی ات	هست تو خالی همه فریاد شان	دست ها را مشت بر دندان نما
روز تان مبروک باید، کارگر	با نقییری می رود از یاد شان	کاخ استبداد را ویران نما
دشمنت مفلوک باید، کارگر	کاز کجا هستند و جای شان کجاست	چون عقاب زخمی ی مغرور باش
		اوج گیر در آسمان، مسرور باش

دهقان



معمای غم دهقان تو حل کن
 الا ای بیل! ای یار قدیمی
 بده با طرح نو دستی بدستم
 زمین را زیر و رو کن بهر دهقان
 مده با حيله های خان شکستم
 بده با طرح نو دستی بدستم
 که ننشینم به امید تباهی
 نشد حاصل بجز خون دل و غم
 نشد حاصل بجز درد و سیاهی
 زمین را زیر و رو کن گندم و جو
 برویان تا دل دهقان بخندد
 درون سفره بی نان از این پس
 بروی هر گرسنه نان بخندد
 بده با طرح نو دستی به دستم
 که سیرابش کنم هر بزرگشتم
 کنم حک بر سر هر سنگ میهن
 مسیر **سرخ** رنگ سرنوشتم



منم دهقان که انگشتان دستم
 ندارد همدمی جز دسته داس
 کف دستم پر از ترکیدگی ها
 درخشد گندم مانند الماس
 گهی در دستهایم دسته بیل
 سرود سبز گندم می سراید
 گهی دوتار دل آرام آرام
 غزل در عشق مردم می سراید
 زمین در لرزه می افتد شب و روز
 به زیر پنجه های آهنینم
 گهی بیل و گهی داسم بدستم
 که حقا مالک اصل زمینم
 ولی افسوس چون در طول عمرم
 نشد یک لحظه ای دهقان نباشم
 نشد یک لحظه دهقان باشم؛ اما
 اسیر طعنه های خان نباشم
 نشد یک لحظه دهقان باشم؛ اما
 نباشم گشنه و بی نان نباشم
 به مثل آهوی افتاده در دام
 ندیدم طعمه گرگان نباشم
 تمام عمر جان کندم ولی هیچ
 ندیدم لذت طعم پلو را
 میان کلبه دهقانی خود
 ندیدم مزه یک سقف نو را
 الا ای داس! داس باوفایم
 از این پس شغل دیرینت بدل کن
 مکن گندم درو چون حاصلی نیست

سیاست را بر سایر امور مقدم بشماریم

... در وضعیت فلاکتبار و درد انگیز کنونی کشور، جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار پائینی جامعه، یکی از آن بخش های جامعه محسوب میشوند که به شدت آسیب می بینند. این نیروی اجتماعی همچون گوشت دم توپ در جنگ تجاوزکارانه امپریالیست ها و دست نشاندهگان شان مورد استفاده قرار میگیرد و بخاطر تامین اهداف و مقاصد ضد ملی و ضد مردمی آنان قربان میشود. در افغانستان تحت اشغال و فاقد استقلال، جوانان کشور در بی سرنوشتی و بی آیندگی فوق العاده شدیدی به سر می برند. بیکاری و فقر، محرومیت از تعلیم و تحصیل، آوارگی و بی خانمانی عوامل دیگری اند که زندگی پر درد و رنج کنونی جوانان افغانستان را رقم می زنند.

جوانان یکی از بخش های حساس جامعه محسوب میشوند و در مسیر تغییرات و تحولات اجتماعی به سرعت به حرکت در می آیند. آنها حامل نیروی عظیم مبارزاتی اند که اگر آگاهانه با سائر قشرها و طبقات تحتانی و زحمتکش جامعه در آمیزند، تبدیل به انبار باروت آماده به انفجار می شوند و خرمن هستی امپریالیست ها و مرتجعین را به آتش می کشند. بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی، مردمی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی، مردمی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار میدهد.

در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپائی جنبش وسیع ملی، مردمی و انقلابی جوانان وجود دارد. باید تمامی جویبارهای نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آیند و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی، مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت درآید و بر دژهای اشغالگران و دست نشاندهگان شان، یورش برد و ویران شان سازد....

پلاتفرم مبارزاتی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

(۱۳ دلو ۱۳۸۴)

۵	د هیواد په کچه دکډوالی چټک بهیر
۸	تجاوز بی شرمانه عربستان سعودی به یمن دسیسه امپریالیزم امریکا است
۱۰	اعتصاب برحق معلمان پایتخت را سراسری سازیم
۱۱	ازین پس خدمات صحی رایگان نخواهد بود
۱۳	سیر صعودی مهاجرت از افغانستان
۱۴	سره هدیره
۱۵	مخدره توکی دانسانانو سترقاتل
۱۹	د بکواه ناورین
۲۰	گرامی باد روز جهانی کارگر
۲۱	جاده خونین
۲۲	کانکور درد بی درمان
۲۴	شعر ارسالی یک تن از دوستان
۲۵	دهقان (شعر)

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

www.afghanistarmy.org

پست الکترونیکی (ایمل) :

jawanaan@gmail.com